

گونه‌شناسی تجربه زیسته زنان حاشیه‌نشین از مسئله امنیت*

فهیمة کریمی مهر**، علی ربیعی***، شهناز صداقت زادگان****، فیروز راد*****

چکیده

دامنه‌ی وسیع بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محله «مرتضی‌گرد» اهمیت مطالعه پدیده‌ی امنیت زنان و بازنمایی تجربه‌های ناامنی آن‌ها را ضروری می‌سازد. واکاوی روایت‌های زنان حاشیه‌نشین مرتضی‌گرد از مسئله امنیت و عوامل تمایزدهنده تجربه زیسته آن‌ها و نمودهای متفاوت از مقوله ناامنی در بین زنان حاشیه‌نشین موضوع این مطالعه بوده است. این پژوهش با رویکرد امیک و در پارادایم تفسیرگرایی به دنبال شناخت جهان اجتماعی کنشگران و چگونگی برساخت آن‌ها از مسئله امنیت و پدیدارشناسی ناامنی است؛ بدان معنا که درک، تفسیر و بازنمایی پدیده امنیت از نقطه‌نظر سوژه‌ها و افراد درگیر در این رخداد مورد مصاحبه قرار گرفته است. نمونه‌گیری پژوهش حاضر، بر اساس نمونه‌گیری هدفمند بوده و با ۲۹ نفر از زنان ۱۶ تا ۶۵ سال دارای تجربه زیسته حاشیه‌نشینی در مرتضی‌گرد شهر تهران مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شده است. در این مطالعه تلاش شد تا سوژه‌ها با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی چون سن، جنس، وضعیت اشتغال، تحصیلات، وضعیت تأهل و فرزندان در تجربه پدیده انتخاب شوند. تحلیل داده‌های کیفی با روش تماتیک انجام شده است. یافته‌ها حاکی از وجود سنخ‌های متنوعی از ناامنی شامل: ناامنی در حوزه‌های اجتماعی، جنسی و خانوادگی، جانی، انتظامی، عاطفی و روانی، مالی و اقتصادی، غذایی، حیثیتی، تعاملاتی و ارتباطی، محیطی - بهداشتی و احساس ناامنی نسبت به آینده است. تجربه حس بی‌قدرتی و عدم عاملیت، مقوله هسته‌ای است که با مفهوم عدم توانایی برای هرگونه تغییر جهت بهبود یا اصلاح یا حتی کنترل بر زوایای مختلف زیست یک زن در این منطقه، گره‌خورده است.

واژگان کلیدی

پدیدارشناسی، تجربه زیسته، ناامنی، امنیت، زنان حاشیه‌نشین، مرتضی‌گرد.

*. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «پدیدارشناسی تجربه زیسته امنیت در بین زنان حاشیه‌نشین: مطالعه موردی منطقه مرتضی‌گرد» است.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (fahimehkarim@imehr@student.pnu.ac.ir).

***. استاد تمام گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (lirabiei@pnu.ac.ir)

****. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (shahnazsedaghatzadegan@pnu.ac.ir)

*****. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (rad@pnu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

۱- مقدمه و طرح مسئله

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که اگرچه خود معلول عوامل دیگری است، اما بی‌شک، سایر معضلات شهری همچون آلودگی زیست‌محیطی، آلودگی تصویری، ظهور پدیده وندالیسم، احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر، گسترش فقر و بی‌سوادی، آسیب‌های روانی و شخصیتی، گسترش آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی، نارضایتی‌های جمعی و آشوب‌ها، عدم مشارکت، بیکاری، بد مسکنی و ناامنی را ایجاد یا تشدید می‌کنند (نقدی، ۱۳۸۹: ۱۴۴)

ارتباط حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی، مسئله‌ای فراتر از بعد کالبدی فضاها در این مناطق است و شامل جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مدیریتی (حاکمیتی) است. مسئله حاشیه‌نشینی رفتار طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی از قبیل افزایش مهاجرت‌های بی‌رویه، گسترش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای آن، از جمله جدائی‌گزینی و جدایی‌نشینی فضایی، ضعف عدالت اجتماعی، فقدان هم‌ارزی شرایط زندگی، وقوع جرائم و بزهکاری‌ها و ناپهنجاری‌های اخلاقی - ناموسی، مفسد اجتماعی، اعتیاد، دزدی، خیانت، وجود کودکان خیابانی، فحشا و پاتوق‌ها و اماکن فساد و آسیب‌های اجتماعی است (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

که می‌تواند موجب ایجاد محیطی ناامن و تشدید احساس عدم امنیت شود.

احساس امنیت، پدیده روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون می‌باشد و این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد، از شرایط و اوضاع محیط بیرونی و محیط پیرامونی است، به‌گونه‌ای که افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. همچنین احساس امنیت سازه‌ای چندبعدی است که در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف، به گونه‌های متفاوتی بروز می‌کند. از آنجاکه زنان در امر مهاجرت و در موضوع مسائل اجتماعی جزو گروه‌های در معرض آسیب می‌باشند و در مناطق حاشیه‌ای و زندگی روزمره خود در این مناطق، بسیار متفاوت‌تر از مردان، با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه و آن را درک می‌کنند و بیش از مردان از ابعاد مختلف مسئله حاشیه‌نشینی متأثر می‌شوند، توجه به وضعیت زنان حاشیه‌نشین و مطالعه احساس امنیت آنان، حائز اهمیت خاصی است، زیرا زندگی حاشیه‌ای، چالش‌ها و تبعات متعددی را برای زنان و دختران به همراه دارد. زنان به دلیل داشتن بدن زنانه و احتمال آسیب و بزه دیدگی و رفتار همراه با خشونت از سوی برخی مردان، ممکن است تجربه ویژه‌ای از زندگی در شرایط حاشیه‌ای شهر را تجربه کنند. این تجربه می‌تواند در میان گروه‌های مختلف زنان دارای ویژگی‌های مشابهی باشد. وجود فضاهای جرم خیر در این مناطق، و وجود گروه‌های هنجارشکن و ضد قواعد شهری، احساس ناامنی را در زنان تشدید می‌کند؛ البته احساس ناامنی، امری نسبی

است و برحسب زیست جهان اجتماعی کنشگران و تجربه زیسته آن‌ها متفاوت است. آگاهی از نقش زنان حاشیه‌نشین به‌عنوان قربانیان و به‌عنوان دست‌اندرکاران اصلی جامعه‌پذیری افراد خشن در مناطق حاشیه‌نشین، از اهمیت زیادی برخوردار است. شرایط محرومیت زنان حاشیه‌نشین و فشارهای مختلف ناشی از حاشیه‌نشینی بر آن‌ها، همچنین مناسبات نابرابر قدرت در خانواده و سبک زندگی فقیرانه، احساس ناامنی اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و جانی را می‌افزاید.

مطالعه پدیده حاشیه‌نشینی و مسئله امنیت حاشیه‌نشینان، از آن‌رو کلیدی است که این امر، خود شکل‌دهنده بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است و شناخت و مواجهه با این پدیده، می‌تواند باعث کاهش بسیاری از این معضلات و آسیب‌های اجتماعی باشد. آسیب‌های اجتماعی از جمله ناامنی، پدیده‌ای چندوجهی و دارای علل و عوامل متنوعی است. حاشیه‌نشینی و مسائل آن، گروه‌های آسیب‌پذیر را بیشتر از سایر گروه‌ها در معرض مشکلات قرار می‌دهد. یکی از گروه‌ها آسیب‌پذیر در مناطق حاشیه‌نشین، زنان و دختران هستند که به دلیل حضور پررنگ آنان در پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی و زندگی روزمره‌ی خاص و متفاوتشان نسبت به سایر زنان جامعه، کمتر مورد توجه محققان بوده‌اند. از آنجاکه معمولاً زنان و دختران حاشیه‌نشین تمام‌وقت خود را در فضای محله می‌گذرانند و نیز نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر هستند، لذا از مسائل و مشکلات مناطق حاشیه‌ای، رنج بیشتری متحمل شده و سلامت جسم و روحشان متأثر می‌شود؛ بدین جهت پرداختن به زندگی زنان و دختران حاشیه‌نشین امری ضروری است. دامنه وسیع حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران، اهمیت مطالعه جامعه‌شناختی این پدیده و مسئله امنیت را در این مناطق به‌ویژه برای زنان حاشیه‌نشین ضروری می‌سازد. از سوی شهرک «مرتضی گرد» به‌عنوان منطقه مورد مطالعه این پژوهش تا چند سال پیش روستایی کوچک در حریم منطقه ۱۹ شهرداری تهران بوده که اینک محله‌ای پرجمعیت و منفک شده از این منطقه است که بدین سبب با مشکلات خاص مواجه است. از سال ۱۳۸۸ به بعد، این روستا به دلیل ساخت‌وسازهای غیرمجاز، تبدیل به شهرکی با هزاران ساختمان شده است. این محله زیر نظر دهیاری می‌باشد. همین موضوع باعث شد تا سودجویان به زمین‌های بایر این محله دست‌درازی کرده و اقدام به ساخت بناهای متعدد نمایند. مطابق آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۵ هزار و ۵۰۰ نفر در این محله زندگی می‌کنند و هرروز بیش از ۷ هزار نفر نیز برای کار در کارگاه‌های مختلف آن، به این قسمت از شهر تهران می‌آیند و جزء جمعیت غیر ساکن و شناور آن محسوب می‌شوند. مردم این روستا اغلب از شهرهای اطراف به نیت کار و زندگی بهتر به تهران مهاجرت کرده‌اند؛ اما زندگی در پایتخت به آن‌ها روی خوشی نشان نداده است چراکه مجبور به زندگی در روستایی شده‌اند که انگار فرزند

ناخوانده تهران محسوب می‌شود و از سر نخواستن آن بین شهرداری و دهیاری کشمکش وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد که در ۱۰ سال گذشته جمعیت منطقه مرتضی گرد ۳ برابر شده است و در مساحت ۱۰۱ هکتاری آن حدود ۳۰ هزار نفر جمعیت زندگی می‌کنند. که تعداد زیادی از ساکنان مرتضی گرد از بومیان پایتخت هستند که گرانی مسکن، مشکلات معیشتی و فقر اقتصادی، آن‌ها را مجبور به زندگی در حاشیه تهران کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸).

مطالعه حاضر درصدد است درک عمیقی از احساسات و توصیف تجربیات زیسته زنان حاشیه‌نشین از امنیت و ناامنی را فراهم نماید و به شناسایی تبعات و آثار برداشت و تفسیر زنان حاشیه‌نشین از این شرایط، هم به‌عنوان سوژه امنیت و هم به‌عنوان ایژه‌ای از پدیده امنیت در تعاملات مختلف بپردازد و ضمن آشکار نمودن کم و کیف مسئله، راهکارها و راهبردهایی جهت کاهش ناهنجاری اجتماعی معطوف به امنیت زنان حاشیه‌نشین ارائه دهد.

زنان به جهت وضعیت جسمانی ضعیف و ظریف، هدف‌گذاری جرائم جنسی و اخلاقی بر روی هویت و هستی آنان و به جهت جامعه‌پذیری خاصشان که اعتماد به نفس شان را تضعیف می‌نماید و نیز به سبب فرودستی آن‌ها در استفاده از فرصت‌ها و نداشتن دسترسی‌ها، در برابر عدم امنیت، آسیب‌پذیرتر هستند؛ این تحقیق پدیدارشناسانه در باب امنیت زنان، می‌تواند به صورت‌بندی و سنخ‌شناسی تجربه زیسته‌ی آنان از ناامنی در قالب تفاسیر و روایتشان از زندگی فردی و فهم و اکتشاف خلأهای مطالعاتی و پژوهشی یاری رساند.

این مطالعه درصدد شناسایی موضوع ابعاد ناامنی در مناطق حاشیه‌ای و مواجهه زنان حاشیه‌نشین با تجربه سنخ‌های گوناگون ناامنی است. همچنین این مطالعه تلاش می‌کند عوامل تمایزدهنده این تجربیات و نمودهای متفاوت از تجربه و احساس ناامنی را در بین زنان حاشیه‌نشین مورد مطالعه قرار دهد. تجربه فقر، حاشیه‌ای بودن و برچسب حاشیه‌ای خوردن می‌تواند زمینه و بستری در خصوص پدیده ناامنی زنان در این مناطق باشد. واکاوی شرایط آزاردهنده‌ای که ناامنی ذهنی و عینی را در زنان حاشیه‌نشین ایجاد و تشدید می‌کند و کشف جنبه‌های پنهان و رمزآلود تجربه زیسته‌ی ناامنی و ماهیت تجربی زنان حاشیه‌نشین از پدیده امنیت در این تحقیق مورد توجه مطالعاتی خواهد بود. همچنین این مطالعه می‌کوشد ضمن شناسایی زمینه‌های احساس ناامنی اجتماعی در بین زنان حاشیه‌نشین و عوامل مؤثر بر نگرانی‌ها و ترس‌های آنان در این مناطق، به بازسازی معنایی تجربه و درک زنان از احساس ناامنی و خوانش تجربه‌های زنانه در زندگی روزمره زنان حاشیه‌نشین مرتضی گرد و واکاوی تجربه زیسته آن‌ها از زندگی در حاشیه شهر تهران بپردازد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات مرتبط با حاشیه‌نشینی عمدتاً به عوامل پیدایش حاشیه‌نشینی و مشکلات و پیامدهای آن پرداخته‌اند؛ البته برخی تحقیقات هم به بررسی وضعیت مناطق حاشیه‌نشین از نظر دسترسی به امکانات و شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته و به راهکارهای حل این مشکلات هم اشاره‌ای نموده‌اند. دسته دیگر از تحقیقات به مسائل و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشینی پرداخته‌اند نظیر مطالعات: عبدی و همکاران (۱۳۹۹)، نقدی و همکاران (۱۳۹۹)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۹)، پیری و همکاران (۱۳۹۹)، راسخ و همکاران (۱۳۹۸)، پازوکی و همکاران (۱۳۹۷)، بشیریه و همکاران (۱۳۹۷)، صنعتی شرفی و همکاران (۱۳۹۶)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۲)، بحیرایی و همکاران (۱۳۸۸). بخشی دیگر از تحقیقات نیز مرتبط با مسئله امنیت و حاشیه‌نشینی می‌باشد نظیر مطالعات: جوانمرد و همکاران (۱۴۰۰)، مطالعات ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۹)، حامد و همکاران (۱۳۹۹)، کارگر (۱۳۹۹)، کاروانی و همکاران (۱۳۹۹)، باقری و همکاران (۱۳۹۸)، سجاد زاده (۱۳۹۶)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، قاسمی اردهایی و نوبخت (۱۳۹۴)، بهرامی (۱۳۸۸)، ... دست‌آخر از مطالعات، موضوع زنان و حاشیه‌نشینی می‌باشد که در مطالعات: فتحی و همکاران (۱۳۹۹)، عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۷)، خیاط و همکاران (۱۳۹۹)، آور زمانی و همکاران (۱۳۹۸)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۶)، آزاده و همکاران (۱۳۹۵) عنبری و همکاران (۱۳۹۳)، نقدی و همکاران (۱۳۹۰) پرداخته شده است. در مجموع می‌توان بیان نمود که در تحقیقات حوزه حاشیه‌نشینی اولاً بخش زیادی از پژوهش‌ها به عوامل و پیامد و مشکلات حاشیه‌نشینی تمرکز نموده و عمده تحقیقات با روش پیمایشی انجام شده است. نکته دیگر آنکه مبحث امنیت عمدتاً از منظر کمی و با رویکرد انتظامی بررسی و کمتر مطالعه‌ای موضوع امنیت را از منظر کیفی توجه نموده است. از سوی دیگر موضوع زنان و حاشیه‌نشینی کمتر مورد توجه بوده و مطالعات اندکی در دهه اخیر در این خصوص انجام شده است و نکته مهم‌تر آنکه تجربه زیسته زنان مناطق حاشیه‌نشین در موضوع امنیت تاکنون در هیچ مطالعه‌ای واکاوی نشده است. در مطالعات خارجی هم مواردی در زمینه وضعیت زنان حاشیه‌نشین وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

کیت برون و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری به‌مثابه تجربه زیسته زنان و دختران به حاشیه رانده‌شده در بریتانیا» در تلاش هستند به گروه‌های به حاشیه رانده‌شده شامل زنان و دختران در بریتانیا بپردازند. آن‌ها با استفاده از روش تحقیق کیفی در پی برجسته کردن اهمیت آسیب‌پذیری در نظام رفاهی دولت بریتانیا می‌باشند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد ممکن است مداخلات به افزایش آسیب‌پذیری افرادی که قبلاً در جامعه محروم بوده‌اند، منجر شود. شرایط ساختاری بر نحوه واکنش زنان و دختران در شرایط دشوار تأثیر می‌گذارد. واکنش زنان و دختران به حاشیه رانده‌شده شامل استراتژی‌ها و مقاومت‌های مختلفی بوده که آن‌ها را قادر می‌سازد تا در شرایط سخت به بهترین شکل ممکن به نتیجه برسند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که برای مؤثر بودن، سیاست اجتماعی باید واقعیت‌های زندگی زنان و دختران «آسیب‌پذیر» در نظر گرفته شود تا سیاستی فراگیر برای حمایت از آن‌ها به‌منظور مدیریت یا تغییر شرایطشان شکل گیرد. یوهانس دیبابا وادو^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای ذیل عنوان «قرار گرفتن در معرض خشونت، حوادث نامطلوب زندگی و سلامت روان دختران نوجوان در محله‌های فقیرنشین نایروبی» معتقدند که یکی از مهم‌ترین علل ناتوانی در بین دختران نوجوان، مسئله سلامت روان و عدم امنیت روانی است؛ جوانانی که در محله‌های فقیرنشین شهری بزرگ می‌شوند، در معرض تجربیات نامطلوب دوران کودکی، خشونت و سایر ناملایمات قرار دارند. به نظر آن‌ها با توجه به وسعت قربانی شدن، وجود ناامنی اجتماعی، رویدادهای نامطلوب زندگی و علائم افسردگی، نیاز به مداخلاتی وجود دارد که قرار گرفتن در معرض خشونت و ناامنی‌های جنسی را کاهش دهد و از دختران نوجوانی که در معرض حوادث نامطلوب در محله‌های فقیرنشین نایروبی قرار دارند، حمایت روانی اجتماعی ارائه کند.

اس سانی^۳ (۲۰۲۲) در فصلی از کتاب تحت عنوان «طرد اجتماعی در دسترسی به امکانات بهداشتی مادران؛ تجربه زنان فقیر شهری در دهلی» اظهار می‌دارد که زنان فقیر شهری در خدمت عوامل «پرکار» و درعین حال «نامرئی» در توسعه شهر هستند. همانند حضور نامرئی زنان فقیر شهری در جامعه، نیازهای آن‌ها به‌ویژه نیازهای سلامت مادران اغلب به دلیل طرد اجتماعی آن‌ها در سلامت به خطر می‌افتد. همه عوامل تعیین‌کننده نقش عمده‌ای در تأثیرگذاری بر هر حوزه امنیت عمومی زنان فقیر شهری دارند. تأثیر متقابل میان همه عوامل تعیین‌کننده، تجربه زیسته را

1 - Kate Brown, Katie Ellis, Kate Smith

2- Dibaba, Yohannes

3- Sahni, S.

به‌عنوان یک تجربه منحصر به فرد از زنانه شدن آسیب‌پذیری در امنیت سلامتی و بهداشتی تبدیل می‌کند. او در این فصل به برجسته‌سازی عوامل تعیین‌کننده حذف و فرآیندهایی می‌پردازد که شانس تأمین امنیت بهداشتی زنان فقیر شهری به نیازهای سلامت مادر را در بیمارستان دولتی پایتخت دهلی نو شکل می‌دهد.

۳- ملاحظات نظری

آنچه در مطالعات کیفی حائز اهمیت است درک و تجربه و تصور سوژه‌ها از پدیده مورد مطالعه و نیز برداشت آن‌ها از دنیای اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند؛ لذا در این‌گونه تحقیقات، به‌کارگیری نظریه بیشتر جهت شناسایی و طرح سؤالات و کسب حساسیت نظری محقق می‌باشد. با این توضیح در ادامه برخی از نظریات در هدف این هدف طرح می‌شود.

۳-۱- نظریه‌ی فرهنگ حاشیه‌نشینی

به گفته مارشال کلینارد (۱۹۶۸)، حاشیه، فرهنگ مخصوص به خود را دارد و این فرهنگ یک شیوه زندگی است. نوعی معیشت رایج در حاشیه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و معمولاً دارای منطق مخصوص به خود است. فرهنگ حاشیه‌نشینی بازتاب شیوه زندگی طبقات پایین جامعه است که معمولاً به‌عنوان فرهنگ فقر شناخته می‌شود. آن‌گونه که رابرت پارک بیان می‌دارد، حاشیه‌نشینی شرایطی است برزخ‌گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق درمی‌آورد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

۳-۲- نظریه‌ی فرهنگ فقر

یکی از مهم‌ترین نظریاتی که با رویکرد فرهنگی، سبک زندگی افراد حاشیه‌نشین و فقیر را بررسی کرده است، نظریه‌ی فرهنگ فقر اسکار لوییس است. لوییس با بررسی سبک‌های زندگی مردمان بسیار فقیر امریکای لاتین به این نتیجه می‌رسد، از زمانی که مردم این کشورها از لحاظ اقتصادی به حاشیه رانده شدند، واکنش‌های تطبیقی را یاد گرفتند و از نسلی به نسل بعد انتقال دادند. به نظر او فرهنگ فقر، واکنش فقیران به جایگاه حاشیه‌ای‌شان در یک جامعه طبقاتی و بسیار انفرادی سرمایه‌داری است. این فرهنگ از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. (مور، ۱۳۷۶: ۲۵۷ و ۲۵۸). شاخص‌های مهم فرهنگ فقر از نظر اسکار لوییس^۱ عبارت‌اند از: مشارکت نکردن فقرا در کار مؤسسه‌های عمومی به‌عنوان عضو مسلم جامعه؛ بهره‌ناچیز آن‌ها از بانک‌ها، بیمارستان‌ها،

فروشگاه‌های بزرگ، موزه‌ها و تالارهای هنری، بی‌اعتمادی به دولت و دارندگان جاه و مقام؛ بیزاری از پلیس؛ اخذ وام از رباخواران محلی با بهره سنگین؛ گرو گذاشتن اشیای شخصی؛ خرید اثاث و لباس کهنه؛ تقدیرگرایی؛ کوتاهی دوران کودکی؛ محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم، محرومیت افراد از مهر و محبت مادی؛ شروع روابط جنسی در سنین پایین؛ روابط آزاد و یا ازدواج‌های قراردادی؛ (عنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۴). در سطح فرد نیز اساسی‌ترین ویژگی‌های فرهنگ فقر عبارت‌اند از: احساس شدید بی‌ارح شدن، درماندگی، متکی به دیگران بودن و خود را کم شمردن. سایر ویژگی‌های فرهنگ فقر از نظر لوئیس عبارت‌اند از: محرومیت بسیاری از افراد از مهر و محبت مادر، توجه زیاد و شدید به زمان حال و اکنون همراه با ناتوانی از چشم پوشیدن موقت از بعضی چیزهای خوشایند به خاطر چیزهای خوشایند بزرگ‌تر در آینده، میل به گوشه‌گیری و اعتقاد به قضا و قدر، اعتقاد به برتری جنس مرد در میان اکثریت آدم‌ها، قدرت تحمل همه‌گونه ناراحتی‌های روانی به مقدار زیاد، پایین بودن سطح خواسته‌ها، ماجراجویی، لذت بردن از آنچه حواس انسان را می‌نوازد، تن دادن به احساسات و امیال آنی، بی‌اعتمادی میان افراد و احساس تنهایی و جدا افتادگی از دیگران. همچنین از نظر وی مردمی که در شرایط فرهنگی فقر به سر می‌برند معمولاً توجهشان به امور جهان از سکونتگاه یا ده و شهر خود فراتر نمی‌رود (لوئیس، ۱۳۵۳). زنان نیز به‌عنوان بخشی از حاشیه‌نشینان، مشمول چنین ویژگی‌های خرده‌فرهنگی می‌باشند.

۳-۳- نظریه‌ی تله‌ی محرومیت

فقر در جوامع حاشیه‌ای یکی از چالش‌های مهم بر شمرده می‌شود که ذهن بسیاری از جامعه شناسان و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی را به خود معطوف کرده است. با بررسی خانوارهای فقیر و محیط اطرافشان می‌توان مشاهده کرد، مجموعه‌ای از عوامل از جمله فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، انزوا و بی‌قدرتی درهم تنیده‌اند. این پدیده به‌عنوان دور باطل فقر، بیماری فقر، تله‌ی محرومیت و نیز تله‌ی فقر توصیف می‌شود (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۰). از این‌رو افرادی که در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند به دلیل بی‌قدرتی، انزوا، بی‌پولی، بی‌سواد و ناآگاهی نمی‌توانند گره‌های زندگی خود را باز کنند و از زیر بار مشکلات رهایی یابند و هرروز مشکلی به مشکلاتشان افزوده می‌شود و مانند باتلاقی در تله‌ی فقر و محرومیت فرو می‌روند.

بر اساس نظریه‌ی «تله‌ی محرومیت»، چمبرز از پنج خوشه‌ی نامساعد نام می‌برد که با یکدیگر در ارتباط بوده و تقویت‌کننده‌ی همدیگر هستند و بسان زنجیره‌هایی به دست و پای افراد فقیر تنیده

شده‌اند: ۱- فقر ۲- ضعف جسمانی ۳- انزوای خانوار ۴- محرومیت و آسیب‌پذیری و ۵- بی‌قدرتی خانوار (ازکیا و غفاری، همان: ۷۸-۸۲)

۳-۴- نظریه‌ی احساس ترس و بزه دیدگی زنان حاشیه‌نشین

احساس ناامنی زنان در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر مستقیمی بر بزه دیدگی زنان حاشیه‌نشین دارد. در مورد پیامدهای فقدان احساس امنیت چلبی معتقد است که با کاهش احساس امنیت، اضطراب افزایش می‌یابد و اضطراب حاصله با سازوکارهای مختلف تولید کثر رفتاری می‌کند (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

اضطراب اجتماعی و ترس از دیگران که ناشی از فقدان امنیت در سطوح مختلف است، موجب می‌شود که کنشگران اجتماعی مهم‌ترین هنجار اجتماعی؛ یعنی هنجار صداقت را که تقریباً در تمامی نظام‌های اخلاقی عضویت محوری دارد؛ نقض کنند. علاوه بر آن، در غیاب امنیت و شیوع اضطراب‌های اجتماعی، تحریک حسی از توان سطح شناختی افراد کم‌وبیش خارج و «نیروهای زیستی» به جامعه «سرریز» می‌شوند. با سرریز شدن نیروهای زیستی به درون جامعه، جو جامعه ملتهب و حسی می‌شود و افراد به‌جای عقلانی عمل کردن، حسی عمل می‌کنند. از دیگر پیامدهای احساس ناامنی، انزوای اجتماعی است. به تعبیر چلبی، وجود هر نوع تهدید، بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و موجب کناره‌گیری از تعاملات اجتماعی می‌شود. به عبارت دیگر هنگامی که افراد با محیط‌های تهدیدکننده مواجه هستند، ممکن است واکنش‌های مختلف از خود نشان دهند، از جمله عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص، اخذ تدابیر حفاظتی، تغییر فعالیت‌های روزمره، کاهش مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و... (همان: ۲۹۰)

۳-۵- رویکرد آسیب‌پذیری اجتماعی و زنان حاشیه‌نشین

در این رهیافت آسیب‌پذیری جنسی و جنسیتی که در بردارنده‌ی میزان آسیب‌پذیری فیزیولوژیکی و اجتماعی زنان، نسبت به مردان است، به‌عنوان زمینه‌ی مساعد بزه دیدگی شناخته شده است. برخی از محققین بر این عقیده‌اند که زنان در فرایند جامعه به‌گونه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند که نسبت به جرم آسیب‌پذیری بیشتری پیدا می‌کنند. عده‌ای دیگر نیز آسیب‌پذیری بیشتر زنان را به سبب ترس از تجاوز و عدم توانایی و کنترل زنان برای مقابله و دفاع از خود در برابر این جرم بیان داشته‌اند (صادقی فسائی و میرحسینی، ۱۳۹۰: ۳۸).

درواقع زنان در فرآیند اجتماعی شدن درمی‌یابند که نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر هستند و در طول جامعه‌پذیری‌شان از سوی خانواده و نهادهای آموزشی و پرورشی و همچنین از طریق

وسایل ارتباط جمعی مرتباً این مسئله بدان‌ها یادآوری می‌شود. بر این اساس هر چه افراد، توانایی کمتری برای محافظت و کنترل خود داشته باشند، بیشتر نیز قربانی جرم می‌شوند. در این دیدگاه افزایش سن، عاملی مهم در افزایش بزه دیدگی به شمار می‌رود چراکه سالخوردگان توانایی کمتری برای حفاظت از خود دارند. در این رویکرد توانایی مالی و تحصیلاتی، فاکتورهایی برای کاهش میزان بزه دیدگی و ترس محسوب می‌شوند، چراکه افراد متمول و تحصیل کرده، راه‌های بهتر و مناسب‌تری را برای محافظت از خود برمی‌گزینند و بدین جهت نیز از میزان بزه دیدگی آنان کاسته خواهد شد (اسکوگان، ۱۹۹۰: ۱۴۰). از همین رهیافت زنان حاشیه‌نشین که غالباً از توانایی مالی، جایگاه اجتماعی، پشتوانه‌های خانوادگی، حمایت‌های قومی و توانمندی‌های جسمی کمتری برخوردارند؛ بیشتر از دیگران بزه دیدگی در مناطق حاشیه‌نشین را تجربه کرده و بسیاری از مؤلفه‌های آسیب‌پذیری را شامل می‌شوند.

۳-۶- نظریه‌ی ناامنی اجتماعی و جنسیت

ترس و احساس ناامنی زنان، در قالب مناسبات جنسیتی قدرت و اسطوره‌هایی درباره امنیت زنان در جامعه و مکان‌های عمومی استوار است (قادر زاده و خزایی، ۱۳۹۳: ۴۰۸). فضاهای عمومی شهری اغلب جنسیت زده‌اند و بازتولید کننده نظم ناهمسان جنسیتی می‌باشند، بنابراین برای زنان تجربه کردن فضاهای شهری به طرز جدایی‌ناپذیر با تجربه احساس ناامنی پیوند خورده است. سیطره نشانه‌ها، ایماژها و گفتارهای مردانه بر فضای شهری، برای زنان یک منبع تهدید و اضطراب به شمار می‌آید (محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸). به نظر میشل باندز، زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند، آن‌ها در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه، با دنیای مردانه برخورد می‌کنند (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۷).

در باب شرایط و بسترهای مداخله‌گر در زمینه ناامنی زنان می‌توان بر اساس نظریه کنترل اجتماعی چنین گمانه‌زنی کرد که برای تأمین احساس امنیت باید رفتار اجتماعی الگو شده‌ای از طریق [مکانیزم] فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل شود. (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۶)؛ بنابراین فقدان نظام کنترل رسمی و غیررسمی از سوی نهادهای دخیل و همچنین عدم جامعه‌پذیری مناسب زنان در فضای محروم شهری، می‌تواند بستری برای ناامنی به وجود آورد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

با توجه به این که تاکنون تحقیقی در این موضوع انجام نشده است و تجارب زیسته کنشگران مدنظر می‌باشد، روش تحقیق، از نوع کیفی و در جهت توصیفات غنی از این پدیده اجتماعی است. در پژوهش‌های کیفی محقق به دنبال کشف لایه‌های عمیقی از معنا است آن‌طور که توسط افراد مورد مطالعه تجربه و تفسیر می‌شود. این مطالعه کیفی با رویکردی امیک و در پارادایم تفسیرگرایی انجام می‌شود. محقق در این رویکرد به دنبال شناخت جهان اجتماعی کنشگران و چگونگی برساخت آن از دیدگاه افراد درگیر در آن است (محمد پور، ۱۳۹۰: ۵۱).

جامعه یا میدان این مطالعه تمام زنان ۱۶ تا ۶۵ سال است که در منطقه مرتضی گرد دارای تجربه زیسته حاشیه‌نشینی بوده‌اند. نمونه‌گیری پژوهش حاضر، بر اساس نمونه‌گیری هدفمند بوده است و محقق ۲۹ نفر از زنان حاشیه‌نشین مرتضی گرد را با حداکثر تنوع انتخاب و مورد مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته قرار داده است. نمونه‌گیری غیراحتمالی مناسب‌ترین راهبرد نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی است و رایج‌ترین صورت آن، نیز نمونه‌گیری هدفمند نامیده می‌شود. بعضی از پژوهشگران کیفی، نظیر لوکومنت و شنسول، از لفظ انتخاب ملاک‌محور استفاده می‌کنند. در انتخاب ملاک‌محور ابتدا محققین تصمیم می‌گیرند کدام ویژگی‌های نمونه برای مطالعه اهمیت دارد و سپس افراد یا مکان‌هایی را پیدا می‌کنند که مقتضیات آن ملاک‌ها را برآورده کنند (کرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۲ به نقل از میریام و تیسدل، ۱۳۹۸). لذا در این مطالعه تلاش شد تا سوژه‌ها با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی چون سن، جنس، وضعیت اشتغال، تحصیلات، طبقه اقتصادی اجتماعی و حداکثر تنوع در تجربه پدیده حاشیه‌نشینی انتخاب شوند. بر این اساس، پس از انجام مصاحبه کیفی عمیق، اشباع داده‌ها حاصل آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل تماتیک است که در اینجا از تکنیک شش مرحله براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) به‌عنوان یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است. مراحل شش‌گانه تحلیل تماتیک شامل: مرحله ۱: آشنایی با داده‌ها، مرحله ۲: تولید کدهای اولیه، مرحله ۳: جستجوی تم‌ها، مرحله ۴: بررسی تم‌ها، مرحله ۵: تعریف تم‌ها و مرحله ۶: نگارش و تحلیل نهایی است. (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۵).

۵- یافته‌های مطالعه

۵-۱- توصیف پاسخگویان مطالعه

جامعه یا میدان مطالعه زنان ۱۶ الی ۶۵ سال ساکن منطقه مرتضی گرد بوده‌اند. تلاش شده است تا سوزدها با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی چون سن، جنس، وضعیت اشتغال، تحصیلات، طبقه اقتصادی اجتماعی و حداکثر تنوع در تجربه پدیده انتخاب شوند. حدود ۶ درصد مصاحبه‌شوندگان تحصیلات دانشگاهی و مابقی از تحصیلات دیپلم تا بی‌سواد را به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت شغلی مصاحبه‌شوندگان نیز از خانه‌دار تا کارمند دولت و مشاغل آزاد را در برمی‌گیرد. وضعیت تأهل و فرزند مشارکت‌کنندگان نیز از تنوع قابل قبول برخوردار است. بر این اساس، در این پژوهش پس از انجام ۲۹ مصاحبه کیفی عمیق اشباع داده‌ها حاصل آمد.

جدول مشخصات افراد مصاحبه‌شونده

کد پاسخگو	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	فرزند	شغل	سابقه سکونت
۱	مهسا	۲۲	دیپلم	متاهل	۲ فرزند	آرایشگر	۱۰ سال
۲	فاطمه	۲۵	دیپلم	متاهل	۱ فرزند	آرایشگر	۱۵ سال
۳	سمیه	۴۰	لیسانس حقوق	مطلقه	۱ فرزند	فروشنده لباس	۱۰ سال
۴	مینا	۴۰	دیپلم	بیوه	۲ فرزند	کار در آژانس	۸ سال
۵	مریم	۳۰	سیکل	در شرف طلاق	۲ فرزند	تهیه سبزی در منزل	۱۰ سال
۶	زهره	۶۵	در حد خواندن و نوشتن	متاهل	۴ فرزند	خانه‌دار	۱۱ سال
۷	راضیه	۵۸	در حد خواندن و نوشتن	متاهل	۵ فرزند	خانه‌دار	۱۰ سال

کد پاسخگو	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	فرزند	شغل	سابقه سکونت
۸	سیمین	۱۸	دهم	مجرد	-	کار در داروخانه	۴ سال
۹	سارا	۲۳	دیپلم	مجرد	-	کار در داروخانه	
۱۰	شهین	۴۰	دکتری	متاهل		پزشک درمانگاه	۱ سال
۱۱	مهناز	۲۰	دیپلم	مجرد	-	کار در خیاطی	۱ سال
۱۲	نازنین	۲۴	دیپلم کامپیوتر	مجرد	-	کار در داروخانه	
۱۳	هاجر	۲۹	لیسانس روانشناسی	مجرد	-	کارمند بهزیستی	۵ سال
۱۴	شکوفه	۳۸		متاهل	۲ فرزند	کارمند دهیاری	۱۲ سال
۱۵	حمیده	۴۰	لیسانس معماری	متاهل	۲ فرزند	کارمند هلال‌احمر	
۱۶	آسیه	۴۳	لیسانس	متاهل	۱ فرزند	مدیر مدرسه	۵ سال
۱۷	زینب	۳۶		متاهل	۳ فرزند	خانه‌دار	۱۴ سال
۱۸	مهری	۵۶	بی‌سواد	متاهل و شوهر مفقود	۳ فرزند	خانه‌دار	

کد پاسخگو	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	فرزند	شغل	سابقه سکونت
۱۹	آذر	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۰	معصومه	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۱	زهرا	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۲	گیسو	۱۶	دانش آموز دبیرستانی	مجرد	-	دانش آموز	۴ سال
۲۳	ناهید	۵۴	پنجم ابتدایی	متأهل	۴ فرزند		۱۰ سال
۲۴	خدیجه	۳۷	سیکل	متأهل	۲ فرزند	مشاور املاک	۱۰ سال
۲۵	لیلا	۳۶		مطلقه	۲ فرزند	فروشنده لباس	۱۲ سال
۲۶	نیره	۱۷	دانش آموز	مجرد	-	کمک به مادر در فروشندگی لباس	۱۲ سال
۲۷	شیرین	۴۰	دیپلم	متأهل	۱ فرزند	کارمند بهزیستی	۱۳ سال
۲۸	سامه	۳۲	دیپلم	مطلقه	-	روسپی	۳ سال
۲۹	نازی	۳۳	سیکل	بیوه	۲ فرزند	روسپی	۲ سال

۲-۵- سنخ بندی نامنی

۵-۲-۱- نامنی اجتماعی

جرم خیزی منطقه از ویژگی‌های بلامنازع مشارکت‌کنندگان در توصیف مرتضی گرد است. فقر اقتصادی و ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های اجتماعی از عوامل زمینه‌ای جرم خیزی در مناطق حاشیه‌نشین است. به‌زعم پاسخگویان، مرتضی گرد به جولانگاه معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر تبدیل شده است. خریدوفروش راحت و بی‌دردسر و دسترسی آسان به مواد مخدر و پرسه معتادان در کوچه و خیابان چهره منطقه را به شدت زشت و کریه‌المنظر کرده است.

ناهید مشارکت‌کننده ۵۴ ساله‌ای که حدود ۱۰ سال ساکن مرتضی گرد است چنین می‌گوید:

«خیلی چیزا اینجا آدم و نگران می‌کنه، نمی‌گم بقیه جاها خوبه ولی هیچ‌جا مثل اینجا این‌قدر راحت مواد جابه‌جا نمی‌شه یا اینقدر معتاد زیاد نیست. هر جا چشم کار می‌کنه یا یکی داره می‌فروشه یا یکی وسط کوچه مصرف می‌کند. من همیشه ترس اینو دارم که بچه مو معتادکنن یا یکی شون بچه هامو تهدید کنه و بلایی سرشون بیاره. از ترس همین چیزا اصلاً اجازه نمیدم بچه هام برن بیرون.»

از جمله شواهد جرم خیزی منطقه، مشاهده‌ی فراوان افرادی ست که مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند و به‌راحتی در معابر عمومی برای ساکنین مزاحمت ایجاد می‌کنند. کارگران کارگاه‌های مبل‌سازی، نقش مستقیمی در جرم خیزی منطقه و ایجاد محیطی آلوده به بزهکاری دارند، کارگران مجردی که مجبورند به علت عدم توانایی پرداخت اجاره خانه، ماه‌ها به‌دوراز خانواده در محل کار خود می‌خوابند و زیست شبانه غیرقانونی دارند. به روایت سوژه‌ها این افراد در بسیاری موارد ساعات استراحت خود را در حال مستی سپری می‌کنند که این مسئله موجب بروز رفتارهای پرخطر و نامنی اجتماعی برای زنان می‌شود. از آنجاکه این مهمانان ناخوانده از تعهد کافی در زندگی اجتماعی نیز برخوردار نیستند، به سبب رهایی از قیدوبندهای اجتماعی ترسی از بی‌آبرویی و بی‌حیثیتی ندارند، مرتضی گرد را به تولید گاه جرائم اجتماعی بدل کرده‌اند.

گیسو مشارکت‌کننده ۱۶ ساله و دانش‌آموز در این باره می‌گوید:

«جاهای باز و کارگاه‌های پر از کارگر اینجا زیاده، طرف خیلی راحت تو کارگاه مست می‌کنه و خب یه دختر بچه هم که از کنارش رد میشه یه حرکت می‌زنه و مزاحمش میشه. ما تو مدرسه شنیدیم و دیدیم دخترایی که این کارگرا تو همین کارگاه‌ها سر بعضی هاشون بلا آوردن.»

جدول ۱: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی ناامنی اجتماعی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
ناامنی اجتماعی	<p>- جرم خیزی منطقه</p> <p>- زندگی راحت خلاف کاران در منطقه</p> <p>- ترس از جرم و آسیب پذیری زنان</p> <p>- ترس زنان از فریب خوردگی</p> <p>- ترس از وجود مردان و زنان خلاف کار</p> <p>- تولید گاه جرم اجتماعی</p> <p>- رهایی از قیدوبندهای اجتماعی</p> <p>- وفور کنش های بی قاعده اجتماعی</p> <p>- محیط آلوده به بزهکاری</p> <p>- زیست شبانه غیرقانونی</p> <p>- تعهد ناکافی در زندگی اجتماعی</p> <p>- ناکامی ها و سرخوردگی های اجتماعی</p> <p>- بی مبالاتی های اخلاقی و اجتماعی</p> <p>- ترس از قانون گریزی دیگران</p>	<p>- جولانگاه معتادان و قاچاقچی ها</p> <p>- باج گیری معتادان</p> <p>- قاچاق مواد مخدر و خرید و فروش راحت مواد مخدر</p> <p>- پرسه معتادان و توزیع مواد</p> <p>- دسترسی آسان به مواد مخدر</p> <p>- تبدیل فضاهای باز محله به مکان تزریق مواد</p> <p>- مصرف علنی مواد مخدر</p> <p>- وفور درگیری ها و نزاع های خیابانی</p> <p>- دعوای ناموسی و قومیتی</p> <p>- ورود اراذل و اوباش در درگیری ها</p> <p>- وجود کیف قاپی زورگیرانه و پنهانی</p> <p>- انجام سرقت از افراد و مغازه ها و سرقت از منازل</p> <p>- مصرف بالای مشروب</p> <p>- نزاع بین دختر و پسران مزاحم</p> <p>- مستی کارگران</p> <p>- وفور کارگران مجرد دور از خانواده</p> <p>- فحاشی رکیک دانش آموزان</p> <p>- نگرانی و ترس شدید از راننده های ماشین های شخصی</p> <p>- سکونت قومی فامیلی</p> <p>- چک کردن دائمی مسافران</p> <p>- ماشین های شخصی قبل از سوار شدن</p> <p>- تجربه پیاده شدن از سواری به خاطر رفتار نامناسب راننده</p> <p>- مزاحمت ماشین های شخصی</p> <p>- عدم اطمینان حتی به تاکسی و اسنپ</p> <p>- عدم اعتماد به غریبه ها</p> <p>- آمار بالای زندگی متخلفین در منطقه</p>

۵-۲-۲- نامنی جنسی و خانوادگی

نامنی جنسی زنان مرتضی گرد، احساسی ست که در تجربه زیسته بسیاری از آنان قابل‌ردیابی است. اغلب زنان منطقه در سنین مختلف و در شرایط گوناگون ترس از نامنی جنسی داشته‌اند و بدون اغراق هیچ زنی را نمی‌توان یافت که از زمان سکونت خود در منطقه‌ی مورد مطالعه، طعم تلخ مزاحمت خیابانی، متلک‌گویی‌های جنسی، هیزی و چشم‌چرانی مردان را تجربه نکرده باشد. شهین پزشک ۴۰ ساله منطقه می‌گوید:

«اینجا اینقد که می‌بینی به دخترا تیکه می‌اندازن و حواسشون به دخترا هس، جای دیگه من نمی‌بینم. پایین شهر تهرانم این وضعی نیست. اینجا کامل برانداز می‌کنن دختری که از کنارشون رد میشه چه شکلیه، شماره بهش بدن و متلک بندازن و اینجور چیزها زیاده.»

از عوامل مهم و تأثیرگذار منطقه در تجربه زیسته‌ی احساس نامنی جنسی زنان، وفور زنان تن‌فروشی است که دسترسی مردان به روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده را آسان و تسهیل می‌کنند. وجود زنان روسپی در منطقه، موجب تردد زیاد مردان غریبه و عبوری برای برقراری رابطه با آن‌ها و احتمال انتقال بیماری‌های مقاربتی و خطرناک شده است. به اذعان مشارکت‌کنندگان پژوهش، وجود و گسترش خانه‌های فساد در منطقه، برای روابط نامشروع و غیرقانونی مردان متقاضی از دستاوردهای همین روابط آزادانه است. سهولت این روابط، حتی باعث تقاضای بی‌پرده کارفرمایان منطقه برای رابطه غیراخلاقی (جنسی) با کارگران زن شده است.

شهین، پزشک منطقه در مورد زنان روسپی منطقه می‌گوید: «بعضی از مراجعین رو حدس می‌زنم که روسپی باشن، اما خودشون مستقیم چیزی به من نگفتن، این خانما بیماری‌های خاصی دارن که میشه فهمید چیکاره هستن. اینجا اینجور خانومایی که روسپی ن‌زیادن، یا اینکه صیغه می‌شن، من اینجا بیشتر از جاهای دیگر این مسائلو دیدم و شنیدم.»

نگرانی از عدم امنیت جنسی فرزندان در مرتضی گرد، دغدغه‌ی همیشگی مادران منطقه است. توصیف نگرانی و اضطراب مادران از بابت رویدادهای دختر دزدی یا تجاوز به کودکان از مصائب طاقت‌فرسای زنان مرتضی گرد است. بازگویی حوادث رخ داده از سوی مشارکت‌کنندگان مطالعه، در مورد سوءاستفاده‌ی جنسی از دختران در کارگاه‌های مبل‌سازی و ناامنی در مدارس و مراکز عمومی و تعرض جنسی در مدارس پسرانه یا حتی تعرض و تعقیب دختران دانش‌آموز در مسیر مدرسه و مزاحمت کلامی پسران کم سن و حتی پیرمردهای هیز، حاکی از آن است که مادران منطقه در موضوع مسائل و مخاطرات جنسی فرزندان خود حساس هستند.

«زینب مادر افغانستانی ۳۶ ساله می‌گوید:

«همین چند وقت پیش یه بچه‌ای تو محل ما پنج سالش بود، گرفته بودن بهش تجاوز جنسی کردن. از همشهری‌های ما بودن. خبردارم که پدر و مادرش شکایت کردن ولی نمی‌دونم دیگه به کجا رسید. دختر خودم که یه ساله مدرسه‌ای شده با اینکه مدرسه‌ش نزدیکه، خودم همیشه می‌برم و می‌ارمش، اصلاً جرئت نمی‌کنم بزارم خودش بره.»

در این اثنا فرزندان مادران سرپرست خانوار بیشتر از کودکان یا نوجوانان دیگر در معرض ناامنی‌های جنسی و اخلاقی قرار می‌گیرند. مشغله فراوان و درگیری‌های متعدد مادران سرپرست خانوار که علاوه بر نقش‌های مادری، مسئولیت‌های مرد خانواده را نیز به دوش می‌کشند، سبب شده فرصت کمتری برای همراهی و هم‌زبانی با فرزندان خود پیدا کنند. تلاش شبانه‌روزی برای حل مسائل متعدد اقتصادی و اجتماعی، این مادران تنها، آن‌ها را از تربیت سالم و آگاهی بخشی در مورد مسائل و نگرانی‌های مرتبط با سلامت اخلاقی و جنسی فرزندان غافل نموده و فرصتی برای هم‌صحبتی درباره مسائل گوناگونی که فرزندان در طول روز با آن مواجه می‌شوند و سؤالات و ابهاماتی که لازم است با مادر خود در میان بگذارند، باقی نمی‌گذارد.

سمیه ۴۰ ساله، مشارکت‌کننده‌ی مطلقه و سرپرست خانوار

می‌گوید: «خوب وقتی من مجبورم از صبح برم سر کار تا شب با خلق یکی بدو بکنم، وقتی شب میام خونه فقط جون دارم یه چیزی درست کنم بزارم جلو بچه م، به خدا خیلی شباهت خودم جون شام خوردنم ندارم. خب کی وقت می‌کنم بشینم دو کلمه با بچه م حرف بزنم، بگم چیا دیدی شنیدی، فرصتی بشه بهش یاد بدم که یه وقت بلایی سرش نیارن؟ اونم تعریف کنه واسم.»

توصیف و تشریح ناامنی جنسی زنان، بدون واکاوی شرایط خاص منطقه که امنیت خانوادگی آنان را به مخاطره می‌اندازد از نقص ماهوی رنج خواهد برد. بنا بر ادعای مشارکت‌کنندگان پژوهش، امنیت خانوادگی که برای عمده زنان متأهل از فاکتورهای مهم احساس امنیت جنسی محسوب می‌شود، توسط عوامل خطیری نظیر رواج روابط جنسی خارج از خانواده به سبب دسترسی راحت مردان به زنان روسپی و وجود خانه‌های فساد برای روابط مردان متقاضی، مورد تهدید و تهاجم قرار می‌گیرد. زنان روسپی که عمدتاً با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عدم حضور خانواده، فامیل و آشنا در این منطقه حاشیه‌نشین را از دلایل قرار گرفتن خود در مسیر تباهی عنوان می‌کنند. وفور زنان تن‌فروش منطقه و رواج روابط جنسی خارج از خانواده، ترس و نگرانی

زنان متأهل را از تزلزل بنیان خانواده‌شان صدچندان می‌کند. زنان روسپی ساکن در مرتضی‌گرد علاوه بر آن که کیان بسیاری از خانواده‌ها را تهدید می‌کنند، احساس ترس و نگرانی از ابتلا به بیماری‌های جنسی و احتمال سرایت را از همسر به زنان متأهل این منطقه شدت می‌بخشد. زنان متأهل در این مطالعه با اظهار نگرانی در خصوص وضعیت پایداری کانون خانوادگی خود، به تردد فراوان مردان غریبه و گذری، برای ارتباط گرفتن با زنان تن‌فروش و ایجاد فضای ناامن از نظر جنسی اشاره داشتند.

فاطمه مشارکت‌کننده متأهل ۲۵ ساله می‌گوید:

«خداییش شوهرم مرد خوبیه ولی خوب اینقدر زناي خراب اینجا زیاده که آدم می‌ترسه. همش نگرانم یکی بیوفته وسط زندگیم بدبختم کنه. خود شوهرم تعریف کرد یکی از همین زنهای خراب بهش گفته بود فقط واسه ۵۰ تومن با من باش، منم گفتم برو دنبال زندگیت. ولی خب مرده دیگه بالاخره من می‌ترسم.»

جو حاکم بر منطقه به سبب وفور روابط خارج از خانواده یا خانه‌های فساد و تسهیل دستیابی به درآمد نامشروع، امکان ورود راحت بسیاری از زنان سالم به فضای روابط نامشروع را موجب شده است. برخی از زنان روسپی نیز به سبب رواج روابط نامشروع و سهولت کسب درآمد از همین راه، به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. تلخ‌ترین تجربه زیسته زمانی به وقوع می‌پیوندد که رابطه نامشروع والدین، فرزندان را در همین مسیر تباهی سوق می‌دهد.

نازی، ۳۳ ساله هم می‌گوید:

«بعد از بیوه شدنم هر کاری کردم که شکم خودمو بچه هامو سیر کنم. گفتن تهران کار و کاسبی بهتره اومدم تهران ولی خب سر از تن فروشی درآوردیم. رفقایم که قبلاً اینجا اومده بودن به هم گفتن اینجا همه جوهره واسه کار ما راحت تره در ضمن هزینه هام کمتره، مکانم فراونه، منم اومدم اینجا.»

جدول ۲: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی احساس ناامنی خانوادگی و جنسی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
احساس ناامنی خانوادگی	<ul style="list-style-type: none"> - نامنی متأثر از فشار نقش مضاعف (نامنی تشدید شده زنان سرپرست خانوار) - نامنی ناشی از انتخاب‌های اجباری - نامنی از رویدادهای غیرقابل کنترل زندگی - آشفتگی خانوادگی - مخاطرات زندگی - اختلال نقش - فروپاشی خانوادگی - نامنی خانوادگی (فرزندان) 	<ul style="list-style-type: none"> - ازدواج در سنین پایین - ترس از طلاق عاطفی روزافزون - ترس از خیانت همسر - وجود همسر معتاد - ازدواج اجباری - بی‌ثباتی زندگی خانوادگی خود و فرزندان - ضرب و شتم در خانواده - خشونت خانوادگی - مواجهه با ریسک فاکتورهای جنسی - احساس عدم حمایت همه‌جانبه همسر - همسر بدکاره - روابط نامشروع همسر - نابودی حیثیت خانوادگی اخلاقی - خشونت شوهر علیه فرزندان - گریز جوانان - دوست‌یابی بد فرزندان
نامنی جنسی	<ul style="list-style-type: none"> نامنی جنسی زنان نامنی جنسی فرزندان 	<ul style="list-style-type: none"> - مزاحمت خیابانی زنان - متلک‌گویی جنسی - ترس از تردد در مکان‌های خلوت - تعرض جنسی به زنان - ترس از تعرض در تردد شبانه - هیزی و چشم‌چرانی مردان - وفور زنان تن‌فروش و انتقال بیماری - رواج روابط جنسی خارج از خانواده - دسترسی راحت مردان به زنان روسپی - تردد زیاد مردان غریبه برای رابطه تن‌فروش - وجود خانه‌های فساد برای روابط مردان متقاضی - کارفرمایان متقاضی روابط غیراخلاقی (جنسی) - دختر دزدی - تجاوز به کودکان - تعرض به دختران در کارگاه‌های مبیل‌سازی - احساس ناامنی جنسی و اخلاقی فرزندان

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
<p>نامنی جنسی</p>	<p>نامنی جنسی زنان نامنی جنسی فرزندان</p>	<p>زنان سرپرست خانوار - تعرض جنسی در مدرسه پسرانه - تعرض جنسی در مسیر مدرسه - تعرض جنسی به دختران دانش‌آموز - تعقیب دختران - نامنی مدارس و مراکز عمومی - مزاحمت کلامی پسران کم سن و پیرمردهای هیز - سوءاستفاده‌ی جنسی در کارگاه‌های تولیدی نامنی خانواده‌ها و وجود زنان روسپی - احساس قربانی بودن - توقف بی‌مورد مردان در خیابان جهت آزار جنسی زنان - مزاحمت مردان - وفور زنان تن‌فروش و انتقال بیماری - رواج روابط جنسی خارج از خانواده - دسترسی راحت مردان به زنان روسپی - تردد زیاد مردان غریبه برای رابطه با زنان تن‌فروش - وجود خانه‌های فساد برای روابط مردان مقتضی - احساس ترس از ابتلای به بیماری جنسی توسط همسر - دوری از خانواده عامل نامنی - عدم حضور خانواده، فامیل و آشنا در منطقه علت روسپی شدن برخی زنان - امکان ورود راحت زنان به فضای روابط نامشروع - روابط نامشروع علت اصلی زندگی برخی زنان در منطقه - بی‌بندوباری دختران دبیرستانی به بهانه رفتن به مدرسه و روابط خارج از عرف به سبب نبود دبیرستان - تهدید امنیت خانواده توسط زنان بیوه - روابط نامشروع والدین عامل فساد فرزندان</p>

۵-۲-۳- ناامنی جانی

ناامنی جانی در منطقه مورد مطالعه، کنش‌های انقیاد آوری را برای پاسخگویان، در اشکال ذهنی و عینی به همراه آورده است. مطالعه و ادراک احساس ناامنی جانی زنان حاشیه‌نشین مرتضی گرد در ابعاد گوناگونی مانند نگرانی از آسیب‌های جسمی در دعوها و نزاع‌های خیابانی در منطقه که در اغلب موارد با دخالت افراد مست به چاقو‌کشی و قمه‌کشی و حتی وقوع قتل می‌انجامد، بروز و ظهور پیدا می‌کند. از مشاجرات لفظی و درگیری‌های وحشتناک گرفته تا ایجاد ارباب و وحشت توسط هیمنه ارادل و اوباش یا تهدید جانی و قلدری، احساس ناامنی جانی را در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان منعکس می‌کند.

سارا مشارکت‌کننده ۲۳ ساله و مجرد می‌گوید:

«اینجا دعو و چاقو‌کشی و قمه‌کشی زیاد میشه. هر چند وقت یه بار اینجا دادوبیداد میشه و همدیگه رو با قمه و چاقو دنبال می‌کنن. هر روز اینجا یکی رو می‌زنن و خونین و مالین رها می‌کنن. خوب تو این وضعیت همش تن و بدن مون می‌لرزه که بلایی سرمون نیاد.»

در چنین وضعیتی، نگرانی جانی برای فرزندان منطقه قابل‌درک است. نگرانی فزاینده مادران برای عدم امنیت جانی فرزندان علاوه بر وفور دعو و درگیری‌های دهشتناک، به واسطه تجربه تلخ تهدید کودکان توسط معتادان مرتضی گرد فزونی می‌یابد.

زینب، مشارکت‌کننده ۳۶ ساله افغانستانی می‌گوید:

«خودم به جهنم نگرانم بچه هام تو این دعوها یه بلایی سرشون نیاد. اونقد شده جوون بی گناه سرش به باد رفته تو درگیری.»

جدول ۳: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی ناامنی جانی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کد مفهومی
ناامنی جانی	- ایجاد ارعاب و وحشت و تهدید جانی و قلندری - آمار بالای ضرب و جرح در منطقه	- نگرانی جانی برای فرزندان - نگرانی از آسیب جسمی در دعوای و نزاع‌ها - دعوا و چاقو کشی و قمه کشی اهالی - وجود درگیری‌های افراد مست - تهدید جانی برای دزدی و سرقت - خفت‌گیری و تهدید جانی شبانه - تهدید کودکان توسط معتادان - استفاده از چاقو و قمه در درگیری و نزاع‌ها - مشاجره لفظی و درگیری به طرز وحشتناک - هیمنه اراذل «مرتضی گرد» - وقوع موارد قتل در درگیری‌ها - دوئل عشقی اراذل و اوباش در مرتضی گرد

۵-۲-۴- ناامنی انتظامی

غیبت پلیس مقتدر در منطقه، احساس ناامیدی از توانایی نیروهای انتظامی را در زنان مظلوم و محروم مرتضی گرد بازتولید می‌کند. عدم رسیدگی پلیس هنگام بروز دعوای خیابانی و پرهیز از ورود به دعوای و درگیری‌های شدید یا دزدی‌ها که به سبب امکانات و نیروی ناکافی پلیس جهت اعزام به منطقه و همچنین عدم استقرار دائمی مرکز پلیس در محله به وقوع می‌پیوندد، نارضایتی و اعتراض جدی مردم به مسئولین را به همراه داشته است. امکانات و نداشتن نیروی کافی و فقدان گشت دائمی مأمورین نیروی انتظامی یا حضور بسیار دیرهنگام پلیس ۱۱۰ حتی پس از اتمام درگیری، موجب وقاحت و درگیری علنی خلاف کاران با مأموران و در برخی موارد عدم جرأت حضور و مداخله پلیس در درگیری‌ها به سبب نیروی ناکافی شده است.

آسیه مشارکت‌کننده ۴۳ ساله که مدیر مدرسه است، می‌گوید:

«اینجا کلانتری نداره، یه کانکس داره که اون م دو سه نفر فقط توش هستن. حتی برای یه امنیت ظاهری هم اینجا یه کلانتری نمی‌زنن. با وجود این که این همه آدم اینجا دارن زندگی می‌کنن و امنیتشونم در خطر. به خیلی از جاها هم رفتیم گفتیم ولی گوش شنوا»

از منظر پاسخگویان، ناتوانی پلیس یا ناکارآمدی آن در درگیری‌های شدید در منطقه و مواردی از عدم اطلاع‌رسانی پلیس به اورژانس یا بی‌تفاوتی پلیس از حمله دزدان شب‌هنگام به منطقه ناامن‌تر در منطقه، احساس بی‌پناهی و ناامنی سوژه‌ها را دوچندان می‌کند، لذا لزوم برپایی مرکز دائمی کلانتری در منطقه برای افزایش سطح امنیت منطقه از اولویت‌های غیرقابل انکار از نظر سوژه‌ها می‌باشد. سمیه ۴۰ ساله می‌گوید:

«اینجاها سر این قضایای زن آوردن و این خلاف، وقتی به پلیس شکایت می‌کنیم، از ماشینشون پیاده نمی‌شن یه نگاه کنن به خونه و محله. ته تهنش تو ماشین می‌شینن می‌نویسن و میرن.»

جدول ۴: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی ناامنی انتظامی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کد مفهومی
ناامنی انتظامی	غیبت پلیس مقتدر عدم رسیدگی پلیس برای برقراری امنیت	<p>- ناامیدی از توانایی نیروهای انتظامی</p> <p>- عدم رسیدگی پلیس هنگام بروز دعوای خیابانی</p> <p>- عدم استقرار دائمی مرکز پلیس عامل ناامنی</p> <p>- نارضایتی و اعتراض مردم به مسئولین از کمبود نیروهای امنیتی</p> <p>- عدم گشت مأمور نیروی انتظامی عامل ناامنی</p> <p>- وقاحت و درگیری علنی خلاف کاران با مأمورین و عدم دستگیری آنان</p> <p>- فوت و مجروحیت پلیس در دعوای خیابانی</p> <p>- چاقو خوردن پلیس و طیفه‌شناس منطقه</p> <p>- عدم ورود پلیس به دعوای درگیری‌های شدید، دزدی‌ها و درگیری‌ها</p> <p>- عدم اطلاع‌رسانی به اورژانس توسط پلیس</p> <p>- عدم جرأت حضور پلیس در درگیری‌ها به سبب نیروی کم پلیس</p> <p>- عدم گشت‌های دائمی پلیس</p> <p>- حضور دیر هنگام پلیس ۱۱۰ در صورت تماس</p> <p>- حضور نیروی کلانتری پس از اتمام درگیری</p> <p>- لزوم برپایی کلانتری در منطقه</p> <p>- بی‌تفاوتی پلیس از حمله دزدها</p> <p>- امکانات و نیروی ناکافی پلیس جهت اعزام به منطقه</p> <p>- دستگیری داعشی با اسلحه</p>

۵-۲-۵- احساس ناامنی عاطفی و روانی

احساس واگرایی اجتماعی با تجربه ذهنی افراد از سرخوردگی و ناامیدی بازتعریف می‌شود. دستیابی به فهم عمیقی از این احساس، با واکاوی تجارب مشارکت‌کنندگان از سرخوردگی‌های اجتماعی و ادراک ناامیدی از وضعیت فعلی و ترسیم چشم‌انداز مطلوب قابل توصیف است. احساس محرومیت یا به تعبیری تجربه ذهنی حسرت اجتماعی، انعکاس‌دهنده‌ی واگرایی اجتماعی سوژه‌ها از واقعیت‌های اجتماعی زندگی روزمره در این منطقه است. زندگی در فضای ناامن مرتضی‌گرد برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان، افسردگی و بیماری‌های مزمن روانی و سلب آرامش روانی را در پی داشته است. در بسیاری از موارد، فقدان هم‌صحبت و عدم گفتگو و درد دل با دوست و آشنا، به احساس تنها بودگی یا تنها شدگی مفرط پاسخگویان دامن زده است.

شهین پاسخگوی ۴۰ ساله و پزشک منطقه از تجربه خود به سبب مراجعین به درمانگاه چنین روایت می‌کند:

«چیزی که من می‌بینم اینه که اکثر خانومای اینجا افسرده هستن. بهشون میگم حال و هواتونو عوض کنید یا هر روز بیرون خونه قدم بزنید. بدبختی اینه که واسه افسردگی شون هیچ راهی ندارن. نه پارکی هست، نه باشگاهی نه سینمایی. خیلیاشون میان پیش من فقط واسه این که حرف بزنن. حتی واسه درد دل کردن هم کسی رو ندارن.»

درماندگی و ناامیدی نسبت به سلامت تعاملات مردان با زنان در این منطقه و احساس مخاطرات جنسی برای همسر، آرامش روانی زنان را در اینجا به مخاطره می‌اندازد.

مهسا مشارکت‌کننده ۲۲ ساله و متأهلی که احساس ناامنی روانی خود را چنین توصیف می‌کند:

«شوهرم خیلی مرد خوبی، خداییش اهل خانوادست ولی یه مدتی به زن تنها اومده طبقه بالامون زندگی می‌کنه. نمی‌دونم چه جور زنیه؟ آخه بعضی زنهای ناجور میان اینجا خونه اجاره می‌کنن فقط واسه خلاف که راحت پول در بیارن. از وقتی اومده بالا سرمون آرامش ندارم. همش رفت و آمد شوهرم رو چک می‌کنم. دست خودم نیست.»

جدول ۵: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی احساس ناامنی روانی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
احساس ناامنی عاطفی و روانی	<ul style="list-style-type: none"> - احساس طردشدگی از جامعه - احساس فقدان عاملیت و بی‌قدرتی - تحقیر اجتماعی بانوان - احساس تنها بودگی - احساس فقدان حمایت - احساس ناامنی محیطی 	<ul style="list-style-type: none"> - داشتن حس حسرت اجتماعی - احساس محرومیت اجتماعی - احساس ناتوانی و بی‌قدرتی و درماندگی اجتماعی - احساس سرخوردگی و ناامیدی و واگرایی اجتماعی - احساس استیصال - احساس سرشکستگی - احساس فقدان حمایت - هراس از ناشناختگی محیط - ترس از زندگی در منطقه جرم خیز - افسردگی ناشی از زندگی ناامن حاشیه‌نشینی - عدم آرامش روانی - نداشتن هم‌صحبت و عدم گفتگو و درد دل - احساس تنها بودگی و تنها شدگی مفرط - احساس خصمانه و انتقام‌جویی - احساس ترس از ورود به زیست‌بوم بیگانه - نگاه تحقیرآمیز مردان به زنان - ضعیفه خواندن زنان - تمسخر زنان راننده و تیکه انداختن به زنان راننده - فرهنگ پایین مردان در مورد زنان بیرون از خانه - ترس و نگرانی زنان متأهل از وضعیت زندگی‌شان

۵-۲-۶- ناامنی مالی، اقتصادی و شغلی

چرخه فقر و محرومیت در زندگی فردی و خانوادگی مشارکت‌کنندگان مطالعه، طیف وسیعی از معضلات و مشکلات اقتصادی، مالی و شغلی را در برمی‌گیرد. زمینه‌های اقتصادی منطقه، دائماً به بازتولید چرخه معیوب فقر و محرومیت زنان حاشیه‌نشینی انجامد. این چرخه با ناامنی شغلی زنان جویای کار و عدم توانمندی آن‌ها در مهارت‌های کافی شغلی آغاز می‌شود و با مؤلفه‌هایی نظیر عدم دستیابی به بیمه بیکاری پس از انقطاع شغلی و بهره‌مندی از بیمه بازنشستگی در سالخوردگی تشدید می‌شود. بی‌تردید اصناف سیالی که در منطقه وجود دارند و نداشتن پس‌انداز برای روزهای بیکاری یا سرمایه اولیه کار برای به راه انداختن کسب‌وکار جدید نیز به ناامنی اقتصادی زنان مشارکت‌کننده دامن می‌زند.

سیمین ۱۸ ساله، مشارکت‌کننده‌ی شاغل در داروخانه در این باره چنین می‌گوید:

«خیلی دنبال کار گشتم تا تونستم اینجا رو پیدا کنم. نه کاری بلد بودم نه سرمایه‌ای داشتم. الانم که اینجا مشغولم نه بیمه هستم نه قرارداد درست و حسابی دارم ولی چاره‌ای ندارم. مجبورم کار کنم تا باری به دوش خانوادم نباشم.»

زنان سرپرست خانوار، فقر بیشتری را در مناطق حاشیه‌نشین تجربه می‌کنند. مطالعه‌ی تجربیات مشارکت‌کنندگان، فقر مضاعف این دسته از سوژه‌ها را عیان می‌سازد. محدودیت‌های جنسیتی این زنان و مشکلات اقتصادی که از گذشته بر دوش خود حمل می‌کنند به‌اضافه مسئولیت‌نگهداری و تأمین اقتصادی فرزندان، به‌ویژه زنانی که با مداخله زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه همراه می‌شود، ظهور فقر و محرومیت را تشدید نموده و به فرسایش روحی و جسمی زنان سرپرست خانوار می‌انجامد.

مینا مشارکت‌کننده‌ی بیوه و ۴۰ ساله‌ای که چهره تکیده‌اش کمتر از پنجاه سال را نشان نمی‌دهد، شرایط خود را چنین توصیف می‌کند:

«شوهرم ۱۰ سال پیش به خاطر اعتیاد شدیدش فوت شد. من موندمو یه پسر معتاد و یه دختر مریض. اومدم مرتضی گرد دنبال کار تا اینکه موندگار شدم. خیلی کارا کردم جا نداشتم بخوابم، تو محل کار می‌خوابیدم تا تونستم یه کلبه خرابه اجاره کنم. رفتم کمیته امداد اینقدر سنگ انداختن جلوی پام که بی خیال کار شدم. اینجا هیشکی به داد ما نمی‌رسه.»

در اثنای فقر و محرومیت این منطقه، داستان زنان تن‌فروش و بی‌سرپرست، تراژدی دیگری است. زنانی که در این چرخه فقر و نداری، در انتهای مسیری طولانی به تباهی تن‌فروشی می‌رسند و بسیار زودهنگام طراوت و سلامت روح و جسم خود را از دست می‌دهند. سامه مشارکت‌کننده ۳۲ ساله‌ای که پس از طلاق برای فرار از حرف‌ها و نگاه‌های همشهریان به مرتضی گرد مهاجرت کرده چنین می‌گوید:

«روزی که از شهرمون فرار کردم اومدم اینجا با خودم گفتم میرم کار پیدا می‌کنم و رو پای خودم وامیستم و از منت پدر و غرغر مادر خلاص میشم. غافل از اینکه بعد یه سال در به دری و دنبال کار و کمک از این و اون خودمو تو باتلاقی دیدم که واسه ۱۰۰ تومن ۲۰۰ تومن تنمو حراج کردم.»

شاید بتوان ساختارهای توان‌زدای منطقه مانند ناکارآمدی بهیاری یا پروسه‌های طولانی‌مداری کمیته امداد و بهزیستی را از عوامل سرعت چرخه فقر و محرومیت دانست.

جدول ۶: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی احساس ناامنی مالی، اقتصادی، شغلی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
ناامنی مالی، اقتصادی و شغلی	<p>- ناامنی مالی اقتصادی زنان جوینای کار و زنان سرپرست خانوار</p> <p>- ناامنی مالی اقتصادی در خانواده</p> <p>- بی‌ثباتی اقتصادی و شغلی سرپرست خانواده</p>	<p>- ناامنی شغلی</p> <p>- نداشتن بیمه بیکاری</p> <p>- نداشتن بیمه بازنشستگی</p> <p>- نداشتن پس‌انداز</p> <p>- نداشتن سرمایه اولیه کار</p> <p>- نداشتن مهارت کافی شغلی</p> <p>- فقر شدید زنان سرپرست خانوار</p> <p>- فقر مضاعف زنان سرپرست خانوار دارای فرزند</p> <p>- فقر و فلاکت زنان تن‌فروش بدون سرپرست</p> <p>- بیکاری همسر</p> <p>- عدم کفایت درآمد همسر</p> <p>- تأخیر در پرداخت اقساط همسر</p> <p>- چندشغله بودن</p> <p>- داشتن مشاغل غیرقانونی همسر</p> <p>- نداشتن پس‌انداز اجاره مسکن</p> <p>- بی‌ثباتی شغلی همسر</p> <p>- خرید اجناس به صورت نسیه</p> <p>- اشتغال به مشاغل غیررسمی</p> <p>- کاهش قدرت خرید</p> <p>- ناچیز بودن سرمایه نقدی خانوار</p> <p>- نگرانی‌های کاری</p> <p>- بی‌نظمی فعالیت‌های شغلی</p> <p>- اصناف سیال</p> <p>- تله محرومیت</p> <p>- ساختارهای توان‌زدا</p> <p>- چرخه فقر و محرومیت</p> <p>- فقدان مهارت‌های شغلی</p> <p>- مشاغل غیرقانونی (فروش مواد مخدر-مشروب و فروش کودکان...)</p> <p>- درآمد از راه‌های غیررسمی و غیرقانونی</p> <p>- کارگران فصلی</p> <p>- تلاش بی‌سرانجام برای معاش</p>

۵-۲-۷- ناامنی غذایی

فقر منابع غذایی در زندگی زنان حاشیه‌نشین قابل‌انکار نیست. مشکلات اقتصادی که افراد را به سمت حاشیه‌نشینی سوق می‌دهد تأثیر مستقیمی در سفره ساکنین می‌گذارد. به تعبیر مشارکت‌کنندگان پژوهش، سبد غذایی فاقد پروتئین، مصرف مواد غذایی نامرغوب یا تاریخ گذشته نتیجه‌ای جز سوءتغذیه همراه با کم‌خونی، کمبود آهن و ویتامین در زنان منطقه ندارد. شهین مشارکت‌کننده ۴۰ ساله و پزشک منطقه در این مورد می‌گوید:

«بیشتر زناى اینجا سوءتغذیه دارن، میان درمانگاه با رنگ و روی زرد و حال نزار. بهشون میگم گوشت بخورید، قرص ویتامین بخورید، میگن ای بابا خانم دکتر چی میگی؟ ما تو نون و پنیرمون موندیم چی میگی شما. خوب راست میگن بنده های خدا، اگه پول داشتن که اسیر مرتضی گرد نمیشدن.»

به گفته برخی از سوژه‌ها، ضعف بدنی و کم‌قوتی بدن در زنان منطقه، به سبب توانایی تأمین فقط یک وعده ساده غذایی در طول روز است که حتی آنان را مجبور به استفاده از غذای نیم‌خورده دیگران و یا استفاده از میوه‌های پلاسیده و نیمه خراب مغازه‌ها می‌کند. بسیاری از این افراد با دریافت کمک غذایی از خیرین و کمک‌های نقدی و غیر نقدی جهت تهیه غذای روزانه، روزگار خود را سپری می‌کنند. فاطمه مشارکت‌کننده ۲۵ ساله و آرایشگر منطقه که از پانزده‌سالگی در مرتضی گرد زندگی می‌کند از تجربه خود چنین می‌گوید:

«من کسی رو می‌شناسم که میاد آرایشگاه یه وقتایی کمکش کنم. به خدا چایی و نون میده به بچه هاش به جای غذا. یه وقتایی تو مغازه‌ها دیدمش دنبال میوه پلاسیده می‌گرده. بعضی زناى اینجا خیلی گرفتارن. خدا خیر بده به بعضی خیرین سبد معیشتی میدن چند وقت یه بار.»

جدول ۷: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی ناامنی غذایی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
ناامنی غذایی	<p>- ضعف بدنی و کم قوتی بدن</p> <p>- عدم دسترسی کافی به منابع غذایی</p>	<p>- سبب غذایی فاقد پروتئین</p> <p>- فقر منابع غذایی</p> <p>- مصرف مواد غذایی نامرغوب</p> <p>- کم خونی، کمبود آهن و ویتامین</p> <p>- استفاده از میوه‌های پلاسیده و نیمه خراب مغازه‌ها</p> <p>- مصرف مواد غذایی تاریخ گذشته</p> <p>- استفاده از غذای نیم‌خورده</p> <p>- دریافت کمک غذایی از خیرین</p> <p>- خوردن چای و نان به عنوان غذا در طول روز</p> <p>- نخوردن گوشت و برنج</p> <p>- داشتن پول فقط در حد یک وعده ساده غذایی</p> <p>- سوء تغذیه</p> <p>- کمک‌های نقدی و غیر نقدی جهت مصرف غذای روزانه</p>

۵-۲-۸- ناامنی حیثیتی

تجربه‌ی برچسب‌های خلافکارانه در زیست زنان حاشیه‌نشین مرتضی گرد، واکنش‌های رفتاری ویژه‌ای را برای بر ساخت زندگی روزمره در مقابله با ناامنی حیثیتی در پی دارد. به بیان صریح مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، همراهی با عرف منطقه در پوشش یا به گفته‌ی سوژه‌ها پرهیز از تیپ زدن به سبب نگرانی از اتهام به بی‌بندوباری و فاسد بودن از تاکتیک‌های کنشی زنان منطقه برای افزایش عاملیت در موقعیت‌های زندگی روزمره است. مهسا مشارکت‌کننده ۲۲ ساله آرایشگر منطقه می‌گوید:

«اگه یه ذره تمیز و مرتب بگردی فکر می‌کنن این کاره‌ای. مدل اینجا اینجوریه. نمیگن که مثلاً برای خودش آرایش کرده، من مثلاً از خونه بی‌آرایش میام این‌جا، این‌جا آرایش می‌کنم، موقع رفتن به خونه پاک می‌کنم، بعد میرم خونه؛ چون اینجا اصلاً این کارا درست نیست.»

نگرانی پاسخگویان از بی‌آبرویی، ترس و واهمه از تعرض جنسی را مضاعف می‌کند. به باور مشارکت‌کنندگان، شیوع تهمت ناموسی و سهولت انگشت‌نمادن زنان و اتهام بدکاره بودن در منطقه، آنان را به بازسازی معنایی سبک زندگی سوق می‌دهد، چراکه

همه زنان منطقه در معرض سوءظن و برچسب‌های خلافکارانه قرار دارند. هرگونه مزاحمت جنسی، سیل عظیمی از تهمت و حرف‌وحديث را بر سر آنان و خانواده‌هایشان آوار می‌کند. معصومه مشارکت‌کننده ۱۶ ساله دانش‌آموز می‌گوید:

«ما اینجا اون جورى که دوست داریم نمى تونيم باشيم چون خطر و حرف و حديثش بيشتر ميشه. اینجا يه کم بخندى تا تهش تو چشمتن ببينن چى کار مى کنى. دنبالت راه مى اوفتن ديگه. با کوچک ترين کارى تو کل مرتضى گرد مى پيچه همه با انگشت نشونت ميدن. ميگن اين دختره يه چيزيش هستش که پسران دنبالشن.»

جدول ۸: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی ناامنی حیثیتی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کد مفهومی
ناامنی حیثیتی	<ul style="list-style-type: none"> - تزلزل منزلت اجتماعی - نگاه حذفی نسبت به زنان - هویت مخدوش - برچسب حاشیه‌ای خوردن - احساس سرشکستگی 	<ul style="list-style-type: none"> - برچسب‌های خلافکارانه - تیپ نزدن به سبب اتهام به بی‌بندوباری - ترس زنان و دختران از برچسب خوردن - ترس از تعرض به دختران و زنان و بی‌آبرویی - برچسب فاسد بودن به سبب پوشش نامناسب - شیوع تهمت ناموسی - انگشت‌نماشدن سریع - اتهام بدکاره بودن - سوءظن به همه زنان - زیاد بودن حرف‌وحديث و تهمت برای زنان و دختران در منطقه - امکان فراوان تهمت به زنان در صورت مزاحمت

۵-۲-۹- ناامنی تعاملاتی و ارتباطی

فقدان پیوندهای قوی اجتماعی در فرایندهای تعاملی کنشگران، احساس هراس و ناامنی ناخودآگاهی در برساخت زندگی روزمره زنان حاشیه‌نشین به همراه می‌آورد. تحلیل تجربیات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی که به واسطه‌ی تعاملات امنیت بخش آفریده می‌شود، در ادراک و احساس مشارکت‌کنندگان نوعی اعتماد اجتماعی امیدبخش و پیش برنده به ارمغان می‌آورد. عدم احساس شبکه روابط مستحکم همسایگی و قومی در تعاملات سوژه‌ها، فقدان پیوندهای قوی اجتماعی را منعکس می‌کند که به احساس ناامنی زنان مرتضى گرد دامن می‌زند. مهناز پاسخگوی ۲۰ ساله‌ای که یک سال است به همراه خانواده به مرتضى گرد مهاجرت کرده است، فقدان تعاملات و روابط همسایگی را چنین روایت می‌کند:

«مامانم یه دقیقه‌ام خواهر برادرانو تو خونه تنها نمیزاره. به همسایه‌ها اعتماد نداره. نمی‌تونه بچه‌ها رو به هیچ‌کدوم بسپره. اگه تا سر کوجه هم بره اونارو با خودش می‌بره.»

تجارب مشارکت‌کنندگانی که سابقه‌ی طولانی‌تری از زندگی در مرتضی‌گرد دارند، گویای این واقعیت است که نسبت به تازه‌واردها از پیوندهای اجتماعی قوی‌تری برخوردارند. شناس بودن به زبان سوژه‌های پژوهش، فهم عمیق‌تری از امنیت تعاملی و ارتباطی را به آنان بخشیده که ارتقاء سرمایه اجتماعی آن‌ها را به دنبال داشته است.

زهره مشارکت‌کننده ۶۵ ساله چنین می‌گوید:

«ما چون از اول اینجا بودیم بیشتر همسایه‌ها مون آبرومندن و همدیگه رو می‌شناسیم ولی تو محله‌های جدید این‌جوری نیست، همسایه‌ها شناس نیستن اونجا.»

جدول ۹: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی نامنی تعاملاتی و ارتباطی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
- نامنی تعاملاتی و ارتباطی	- نامنی در تعاملات همسایگی - نزاع و درگیری محله‌ای و همسایگی - احساس فقدان اعتماد اجتماعی	- نداشتن سرمایه اجتماعی - ترس فامیل از رفت و آمد به منطقه مرتضی‌گرد - نامنی کمتر در محلات قدیمی - ناشناس بودن همسایه‌ها - مشاهده موارد نامردی از همسایه‌ها - نداشتن پیوندهای قوی اجتماعی - عدم توانایی تعامل مناسب با قومیت‌های مختلف - وقوع دعوای فراوان بین همسایه‌ها - عدم اعتماد به همسایه‌ها برای سپردن بچه‌ها - احساس نامنی از سمت همسایه‌ها - بی‌پشت و پناهی غریبه‌ها در دعوای قومی

۱۳۰

۵-۲-۱۰- نامنی محیطی - بهداشتی

نامنی محیطی - بهداشتی در منطقه‌ی مورد مطالعه، نمایانگر دسترسی محدود به خدمات بهداشتی، امنیت محیطی و نظافت و زیباسازی شهری است. بلاتکلیفی مرتضی‌گرد در تقسیمات شهری و عدم ارائه خدمات شهری و بهداشتی به آن، سیمایی بسیار نامطلوب ترسیم کرده است

که در نگاه اول هر رهگذری به چشم می‌آید.

زینب مشارکت‌کننده ۳۶ ساله در این مورد می‌گوید:

«سگای وحشتناکی داره اینجا. ما شده ۱۰ تا سگ هم با هم دیدیم. شب و نصف شب بیای می بینی سگش بلند بلند دارن پارس می کنن. خواهر شوهر من که بعد ۴۰ سال زندگی تو شهرک ولیعصر چون کرایه خونه وحشتناک رفته بالا اومده اینجا زندگی می کنه، خودش و بچه هاش عادت ندارن به وضعیت اینجا افسردگی گرفتن. سطل آشغالش بو میده همه جا لجنه.»

قریب به اتفاق مادران پاسخگو، به سبب وجود پاتوق‌های فساد و اعتیاد در منطقه، احساس ناامنی برای فرزندان را به دوش می‌کشند. در محل تردد رهگذران مرتضی گرد مواردی از سرنگ آلوده در سطح زمین وجود دارد.

ناهدید ۵۴ ساله در این باره می‌گوید:

«اینجا از همه‌جا بیشتر مواد دست آدم‌ها هستش و سرنگ‌های آلوده و خونی می تونه

از نظر بهداشتی برای بچه‌ها مون خطرناک باشه»

نابرابری در دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی و همچنین بی‌عدالتی در دسترسی به پزشکان متخصص خبره هم مشکل دیگری می‌باشد که موجب شده است ساکنین مرتضی گرد احساس کنند پزشکان غیر مجرب و کادر درمانی تازه کار برای کسب تجربه‌های کافی به اینجا آمده‌اند و به آن‌ها همچون موش آزمایشگاهی نگاه می‌شود. احساس ناامنی مشارکت‌کنندگان از حضور کادر درمان بی‌تجربه و عدم اعتماد به پزشکان نابلد منطقه، موجب قطع امید ساکنان از درمان مؤثر و عدم مراجعه به این پزشکان به‌جز شرایط اضطراری شده است.

از سوی دیگر فقر فرهنگ سلامت در بین زنان حاشیه‌نشین و مشکلات اقتصادی ساکنان و در نتیجه ضعف هزینه‌ها در سبد درمانی آنان، منجر به ابتلای مشارکت‌کنندگان به چندین بیماری متفاوت شده است؛ هرچند مادران پاسخگو بیش از هر چیزی نگران سلامتی فرزندان خود بودند و احساس ناامنی در بعد سلامتی و بهداشتی فرزندان ذهنشان را درگیر کرده بود. فاطمه مشارکت‌کننده ۲۵ ساله می‌گوید:

«دکترای اینجا چیزی بلد نیستن. بی سواداشونو می فرستن واسه ما که رو ما آزمایش می کنن، کار رو که یاد می گیرن میرن تهران. من که بچه ام را زیر دست اینا نمیدم. مریضم نباشه با دست خودشون می کشن.»

جدول ۱۰: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی ناامنی محیطی - بهداشتی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کد مفهومی
ناامنی محیطی - بهداشتی	- فقر فرهنگ سلامت	- سلامتی در معرض تهدید - عدم خودمراقبتی و مراجعه به پزشک - کم اهمیتی به سلامت خود ناشی از فقر اقتصادی - نابرابری در دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی - نابرابری در دسترسی به پزشکان متخصص خبره (موش آزمایشگاهی) - ناامنی از حضور کادر درمان بی تجربه تهدیدکننده سلامت - عدم اعتماد به پزشکان بی تجربه منطقه و ناامیدی از درمان - مراجعه به پزشک در صورت شرایط اضطرار - نگرانی از سلامت فرزندان - داشتن چندین نوع بیماری

۵-۲-۱۱- احساس ناامنی نسبت به آینده

۱۳۲

حس ناامنی زنان مرتضی گرد نسبت به آینده زمانی مضاعف می شود که با نوعی تعارض و احساسات دوگانه میان آنچه علاقه فردی خود می دانند و آنچه عوامل زمینه‌ای اعم از شرایط فرهنگی و اجتماعی مرتضی گرد می باشد، مواجه می شوند. سوژه‌های پژوهش به وضوح اذعان می کنند که حتی در پوشش خود کاملاً دیدگاه‌های شخصی خود را به فراموشی می سپارند که بتوانند زندگی راحت تری داشته باشند.

زینب ۳۶ ساله و متأهل در همین مورد می گوید:

«اینجا من اصلانمی تونم تیپ با کلاس بزنم یا لباس های خوب بپوشم می‌گن حتماً ریگی به کفشش داره یا اهل خلاف هستش که این جور می گرده. اصلاً فرهنگش قبول نمی کنه این چیزا رو. به خاطر همین اصلاً اینجا رو دوست ندارم. دلم می خواست می تونستم برگردم جای قبلی که زندگی می کردم.»

زنان متأهل این منطقه به بازتعریف جدیدی برای کنترل زندگی زناشویی و محافظت خود از خطرات احتمالی و وضعیت ناگوار و پر از مخاطره مرتضی گرد به سبب همزیستی با سوژه‌هایی مانند زنان روسپی یا خانه‌های فساد با تعدد زنان بیوه در منطقه دست می زنند؛ چراکه فراوانی وقایع غیرقابل پیش‌بینی و سهولت رویارویی با چالش‌های زمینه‌ای، زمانی که با سطح پایین اطلاعات و

آگاهی زنان حاشیه‌نشین و عدم استقلال و جایگاه اجتماعی مناسب همراه می‌شود، برآیندی جز احساس ناامنی از آنچه در آینده زندگی زناشویی تجربه می‌کنند، نخواهد داشت. مهسا، پاسخگوی ۲۲ ساله و متأهلی ست که در این باره می‌گوید:

«زنان بیوه اینجا خیلی زیاد شدن، این جور آدم احساس راحتی نداره. این می‌شه یک تهدید واسه زن‌های شوهر داری مثل من، من خودم همیشه نگرانم که یکی از این زنها به شوهرم چراغ سبز نشون بده اونم مرد خب، ممکنه گول بخوره از منم که کاری برنمیا.»

مطالعه ادراک و احساس مادران از آینده فرزندان نشان می‌دهد که آن‌ها احساس ناامنی از آینده را در کنترل شرایطشان بر زندگی بسیار عمیق‌تر از زنان دیگر تجربه می‌کنند. گویا تجربه زیسته‌ی آنان هر روز عمق وجودشان را از امید به آینده درخشان فرزندان تهی می‌سازد. سمیه ۴۰ ساله و مطلقه از احساسات مادرانه خود چنین می‌گوید:

«من از لحاظ امنیت بچه م اصلاً نمی‌تونم بگم این جا جای خوبیه. به‌عنوان یک مادر دوست داشتم بچم تو یه محیط دگه تربیت بشه با امکانات رفاهی خیلی بالاتر، از لحاظ امنیتی خیلی بالاتر. بچه من اینجا آینده ای نداره.»

دختران مجرد مرتضی گرد نیز تجربه‌های متفاوتی را در مورد احساس امنیت در این حاشیه شهر روایت می‌کنند. آن‌ها چالش‌های بزرگی را برای ترسیم آینده خود و برنامه‌ریزی برای زندگی مشترک موفق و رهایی از حاشیه‌نشینی و تکمیل هویت تکامل نیافته خود، درک می‌کنند دختران مجرد حاشیه‌نشین به سبب شور و انرژی جوانی، نمی‌خواهند در مبارزه با مردابی که خود را در حال غرق شدن در آن می‌بینند، تسلیم شوند؛ هنوز نیرویی از درون آنان را برای مقابله با مرگ آرزوهایشان فرامی‌خواند. نازنین ۲۴ ساله و مجرد مشارکت‌کننده‌ای که آینده روشنی برای خود تصور می‌کند، اما اطمینان دارد که این تصویر فقط در بیرون از مرتضی گرد محقق می‌شود:

«به‌طور کلی اصلاً اینجا جای خوبی برای زندگی نیست. من فقط امیدوارم بتونم به‌روزی ازدواج کنم از اینجا فرار کنم. فقط با رفتن از مرتضی گرد ممکنه زندگیم مثل مادرم نابود نشه»

جدول ۱۱: کد مفهومی و مقولات فرعی و اصلی احساس ناامنی نسبت به آینده

مقوله اصلی	مقولات فرعی	کدهای مفهومی
احساس ناامنی نسبت به آینده	<ul style="list-style-type: none"> - احساس ناامنی از آینده زندگی مشترک - احساس ناامنی از آینده فرزندان - احساس ناامنی دختران مجرد از آینده خود 	<ul style="list-style-type: none"> - تعارض و بلاتکلیفی در زندگی - زندگی بدون امید و آرزو - ناامنی از رویدادهای غیرقابل کنترل و غیرقابل پیش‌بینی زندگی - احساس ناامنی از نتایج ریسک‌های زندگی - احساس ناتوانی از تغییر شرایط موجود - ناامنی از حس بی‌قدرتی - نداشتن طرح و برنامه برای زندگی - ترس از آینده تاریک و مبهم - ترس از آینده زندگی مشترک زوجین - ناامیدی از آینده اقتصادی خانواده - درگیری در مشکلات زندگی روزمره و مرگ آرزوهای خانوادگی - نگرانی از سرنوشت فرزندان - ترس از انحراف اخلاقی فرزندان - ترس از معرجم شدن فرزندان (تربیتی) - ترس از نداشتن خواستگار مناسب برای فرزندان - ترس از فرار فرزندان - ناامیدی از آینده شغلی فرزندان - ناامنی دختران مجرد - ناامنی نداشتن خواستگار مناسب - ناامنی از نداشتن قدرت تهیه جهیزیه - دنبال کردن کوچک‌ترین فرصت برای فرار از منطقه برای ازدواج

بحث و نتیجه‌گیری

تأمین امنیت حاشیه شهرها دغدغه مهمی در سلامت اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی جوامع می‌باشد. توسعه حاشیه‌نشینی با تحت تأثیر قرار دادن امنیت اجتماعی به‌ویژه فراهم کردن بستر لازم برای ارتکاب جرائم و آسیب‌ها مورد توجه تحلیلگران اجتماعی بوده است. حاشیه‌نشینی به دلیل عدم انسجام و همبستگی با درون جامعه شهری و با افزایش آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی جامعه می‌شود.

موضوع حاشیه‌نشینی و آسیب‌پذیری گسترده ساکنین مناطق حاشیه‌نشین در چند نظریه مهم جامعه‌شناسی به‌وضوح بیان شده است. به‌طور نمونه، بر اساس نظریه‌ی «تله‌ی محرومیت» چمبرز، افرادی که در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند به دلیل بی‌قدرتی، انزوا، بی‌پولی، بی‌سواد و ناآگاهی نمی‌توانند گره‌های زندگی خود را باز کنند و از زیر بار مشکلات رهایی یابند. هرروز مشکلی به مشکلاتشان افزوده می‌شود و مانند باتلاقی در تله‌ی فقر و محرومیت فرو می‌روند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۸-۸۲).

همچنین اسکوگان در رویکرد آسیب‌پذیری زنان حاشیه‌نشینی معتقد است: زنان در فرآیند اجتماعی شدن درمی‌یابند، نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر هستند و در طول جامعه‌پذیری‌شان از سوی خانواده و نهادهای آموزشی و پرورشی و هم‌چنین از طریق وسایل ارتباط‌جمعی مرتباً این مسئله بدان‌ها یادآوری می‌شود. بر این اساس هر چه افراد، توانایی کمتری برای محافظت و کنترل خود داشته باشند، بیشتر قربانی جرم می‌شوند (اسکوگان، ۱۹۹۰: ۱۴۰). از همین رهیافت زنان حاشیه‌نشین که غالباً از توانایی مالی، جایگاه اجتماعی، پشتوانه‌های خانوادگی، حمایت‌های قومی و توانمندی‌های جسمی کمتری برخوردارند؛ بیشتر از سایرین، بزه دیدگی در مناطق حاشیه‌نشین را تجربه کرده و در معرض بسیاری از مؤلفه‌های آسیب‌پذیری هستند.

ساروخانی و نویدنیا در پژوهشی تحت عنوان امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت نشان می‌دهند که محل سکونت بر امنیت اجتماعی خانواده‌ها در تمامی ابعاد، اثرات مؤثر و معنی‌داری دارد و میزان آن متناسب با محل سکونت خانوارها دستخوش تغییر می‌شود. آن‌ها همچنین در مطالعه خود، امنیت جانی، مالی، شغلی، عاطفی و اخلاقی را به‌عنوان ابعادی از امنیت اجتماعی تحلیل نموده و تفاوت این ابعاد را به لحاظ منطقه سکونت مورد مقایسه قرار داده‌اند، پژوهش حاضر نیز با تدقیق در تجربه زیسته زنان حاشیه‌نشین منطقه مرتضی‌گرد، علاوه بر ابعاد یادشده به زوایای گسترده‌تری از تجربه زیسته زنان محروم این منطقه در حوزه ناامنی دست‌یافته است. کرد زنگنه و همکارانش (۱۳۹۵) نیز در بررسی رابطه عوامل اقتصادی-اجتماعی با احساس امنیت زنان سرپرست خانوار در شهرستان رامهرمز، هشت بعد از احساس امنیت شامل: امنیت جانی، مالی، فرهنگی، حقوقی، نوامیس، اخلاقی، احساسی و عاطفی را موردبررسی قرار دادند که مطالعه تجربه زیسته زنان حاشیه‌نشین مرتضی‌گرد نیز به ادراک همان ابعاد در سطح وسیع‌تری دست‌یافته است. در پژوهش حاضر با بهره‌مندی از پژوهش‌های پیشین، ابعاد وسیع‌تر و دقیق‌تری از احساس امنیت زنان حاشیه‌نشین مرتضی‌گرد شناسایی شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زنان حاشیه‌نشین مرتضی‌گرد به سبب رویارویی با چالش‌های گسترده‌ای که در ابعاد مختلف

زندگی فردی و اجتماعی خود با آن روبرو می‌شوند، بیش از زنان دیگر حس بی‌قدرتی و عدم عاملیت را تجربه می‌کنند. پدیده‌ی حس بی‌قدرتی در تجربه زیسته‌ی این زنان، با مفهوم عدم توانایی برای هرگونه تغییر جهت بهبود یا اصلاح یا حتی کنترل بر زوایای مختلف زیست یک زن در این منطقه محروم درآمیخته است. حس بی‌قدرتی و عدم عاملیت برای زنان مرتضی گرد، نوعی تعارض و احساسات دوگانه میان علایق فردی آن‌ها و موانع فرهنگی و اجتماعی تحقق آرزوها و خواسته‌ها در مرتضی گرد ایجاد می‌کند.

نتایج پژوهش به وضوح اذعان می‌دارد که زنان متأهل منطقه، عدم عاملیت را در ناتوانی خود جهت کنترل زندگی زناشویی‌شان از خطرات احتمالی یا رویدادهای غیرمنتظره‌ای اخلاقی تجربه می‌کنند؛ چراکه رویارویی مدام با چالش‌های زمینه‌ای و همچنین عدم استقلال و جایگاه اجتماعی مناسب، برآیندی جز عجز و ناتوانی آن‌ها در کنترل شرایط زندگی‌شان ندارد. تجربه زیسته مادران مشارکت‌کننده این مطالعه نیز نشان می‌دهد که مادران مرتضی گرد حس بی‌قدرتی را در ضعف قدرت کنترل شرایط به‌طور عمیق‌تری نسبت به سایر زنان تجربه می‌کنند و خود را برای تغییر آینده فرزندان خود فاقد قدرت و عاملیت مؤثر می‌پندارند. دختران مجرد مرتضی گرد نیز برای مقابله با حس بی‌قدرتی خود برای ترسیم زندگی بهتر، به راه‌کارهایی مانند فرار از منطقه یا ازدواج با فردی که امکان زیست در مناطق غیر حاشیه‌ای را تسهیل کند، می‌اندیشند

بی‌تردید توانمندسازی زنان منطقه در ابعاد مختلف اقتصادی، روانی، اجتماعی و خانوادگی می‌تواند نقش بسزایی در ترمیم احساس عدم عاملیت و بی‌قدرتی و احساس ناامنی آنان در زیست حاشیه‌نشینی داشته باشد. در راستای توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین مرتضی گرد، افزایش سطح آگاهی و مهارت‌آموزی می‌تواند آن‌ها را در مقابله با احساس بی‌قدرتی در ابعاد مختلف زندگی قوی سازد. برگزاری دوره‌های مستمر و با کیفیت، دستیابی آن‌ها به مهارت‌های ارتباطی با همسر، فرزند و اعضای جامعه می‌تواند آن‌ها را در راستای تغییر و اصلاح وضعیت زندگی روزمره‌شان توانمند نماید.

منابع

- ◀ آزاده، منصوره اعظم، قاضی نژاد، مریم و آرزو صادقی ولنی، (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان (مقایسه تطبیقی دو محله ونک و سرآسیاب)»، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، سال ۸، ش ۲.
- ◀ ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- ◀ آور زمانی، حمید و حمیده صفایی نبات، (۱۳۹۸). «احساس ناامنی در تجربه زیسته زنان حاشیه‌نشین شهری (مطالعه موردی سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای جنوب شهرستان شهریار)»، جامعه فرهنگ رسانه، سال ۸، پیاپی ۳۲.
- ◀ باقری، نسرین و محمود خانی، (۱۳۹۸). «تأثیر حاشیه‌نشینی بر احساس امنیت عمومی با رویکرد پیشگیری اجتماعی (مورد مطالعه: شهر خرم‌آباد)، علمی دانش انتظامی لرستان»، س ۷، ش ۳.
- ◀ بحیرایی، حمید و احمد اسدی، (۱۳۸۸). «نقش حاشیه‌نشینی در بروز آسیب‌های اجتماعی»، اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، د ۱۸، ش ۷۱.
- ◀ بختیاری، تقی، هاشمی، حمید و سید عباس سیدی، (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر جرائم اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان مشهد)»، انتظام اجتماعی، سال ۵، ش ۲.
- ◀ بشیریه، تهمورث و محمد سعید مظفری، (۱۳۹۷). «رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، د ۱۱.
- ◀ بهرامی، رحمت‌الله، (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهر سنندج)»، مسکن و محیط روستا، د ۲۸، پیاپی ۱۲۶.
- ◀ پازوکی، معصومه، داوود شیخی و مختار یوردخانی، (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر میزان افزایش جرم در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: شهر پاکدشت)»، آمایش محیط، د ۱۱، ش ۴۱.
- ◀ پوراحمد، احمد، نگار آروین و محمود رحیم‌پور، (۱۳۹۶). «ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز». مطالعات شهری، د ۶، ش ۲۳.
- ◀ پیری، فردین و میر صادق محمدی، (۱۳۹۹). «بررسی شاخص‌های طراحی محیطی بر میزان وقوع جرائم شاخص بر مناطق حاشیه‌نشین شهر ارومیه». پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، د ۲۹.
- ◀ جوانمرد، کرم‌الله و پروانه یوسف‌وند، (۱۴۰۰). «سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بین مناطق حاشیه‌نشین و مرکزی (شهر خرم‌آباد)»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، س ۱۴، ش ۲، پیاپی ۵۴.
- ◀ چلبی. مسعود (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ◀ چمبرز، ریچارد، (۱۳۷۷). توسعه روستایی و اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ خیاط سمیرا، دولتیان، ماهرخ فنائی، حامد نویدیان، علی محمودی، زهره کسائیان و امیر کسائیان،

- (۱۳۹۹)، «بررسی سبک زندگی، مهم‌ترین چالش و عوامل مرتبط با آن در زنان حاشیه‌نشین»، سلامت و بهداشت، د ۱۱، ش ۵.
- ◀ درگاه ملی آمار ایران، «نتایج کلی سرشماری عمومی و نفوس و مسکن ۱۳۹۵»، سال چاپ ۱۳۹۸، نشر مرکز آمار ایران
- ◀ راسخ، کرامت الله و سمیه محمودی میمند، (۱۳۹۸). «عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر بزهکاری جوانان حاشیه‌نشین در شهر کرمان». مطالعات پیشگیری از جرم، د ۱۴، ش ۵۲.
- ◀ ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا، (۱۳۸۵). «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت: در تهران»، رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۲.
- ◀ سجاد زاده، حسن، محمد سعید ایزدی و محمدرضا حقی، (۱۳۹۶)، «سنجش عوامل محیطی مؤثر بر احساس امنیت ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر همدان». پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، د ۵.
- ◀ شاطریان، محسن، سید سعید حسینی زاده آرانی، ایوب سخایی و محمدرضا حسینی، (۱۳۹۵). «نهاد دین و امنیت: بررسی و سنجش ارتباط میان میزان دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهرستان کاشان»، نهادهای اجتماعی، پیاپی ۷.
- ◀ شاطریان، محسن، رسول حیدری سورشجانی و کامران دولتیاریان، (۱۳۹۹). «مدل یابی و تأثیر ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشین بر وقوع جرم (مطالعه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شهر کاشان)»، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، پیاپی ۵۰.
- ◀ شاطریان، محسن، رسول حیدری، کامران شاطریان و محمود دولتیاریان، (۱۳۹۹). «مدل‌سازی و تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهر کاشان»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پیاپی ۳۷.
- ◀ شاطریان، محسن و امیر اشنویی، (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشین در شهر کاشان (نمونه موردی محله غربت‌ها و پمپ رعیتی)»، جغرافیا، پیاپی ۳۶.
- ◀ صادقی سقدل، حسین، عباس عصارای آرانی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مینو محمدی تیراندازه، (۱۳۹۹). «بررسی مؤلفه‌های مؤثر کلان اقتصادی بر روند حاشیه‌نشین بعد از انقلاب اسلامی»، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، پیاپی ۳۶.
- ◀ صادقی فسائی، سهیلا و زهرا میرحسینی، (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران»، زن در توسعه و سیاست، پژوهش زنان، د ۹.
- ◀ صنعتی شرقی، نادر، روح‌الله وحیدی و سهیل حمیدی، (۱۳۹۶). «تحلیل ساختاری رابطه میان حاشیه‌نشین و جرم»، انتظام اجتماعی، س ۹، ش ۳.
- ◀ عبدالله زاده، نسیم، کیوان بلند همتان و محمد امجد زبردست، (۱۳۹۷). «تحلیل روایت زنان از نابرابری‌های جنسیتی در میدان آموزش مورد مطالعه: زنان مناطق حاشیه‌ای نایست شهر سنندج»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پیاپی ۳۶.

- ◀ عبدی، مجتبی و صابر جعفری کافی آباد، (۱۳۹۹). «در شهر و بی شهر؛ مردم‌نگاری تجربه حاشیه‌نشینی در میان حاشیه‌نشینان محله سعیدآباد (با تأکید بر ابعاد اقتصادی و مناسبات قدرت و مدیریت شهری)»، مطالعات جامعه‌شناختی، پیاپی ۵۷.
- ◀ عریضی، فروغ، رسول ربانی و فاطمه کریمی، (۱۳۸۲)، «بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی - مطالعه موردی مناطق ارزان و دارک اصفهان». علوم اجتماعی، پیاپی ۲۴.
- ◀ عنبری، موسی و سارا بقایی، (۱۳۹۳). «ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری (مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان)»، توسعه محلی (شهری، روستایی)، د ۶، ش ۲.
- ◀ فتحی، آیت‌الله و مهدیه باقرزاده، (۱۳۹۹). «پیش‌بینی امنیت اجتماعی بر اساس سلامت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی در زنان مناطق حاشیه‌نشین تبریز»، مطالعات امنیت اجتماعی، س ۱۱، ش ۲، پیاپی ۶۲.
- ◀ قادر زاده، امید و سارا خزایی، (۱۳۹۳). «مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی»، زن در توسعه و سیاست، د ۱۲، ش ۳، پیاپی ۳.
- ◀ قاسمی اردهابی، علی و رضا نوبخت، (۱۳۹۴). «حاشیه‌نشینی و احساس امنیت: مطالعه جوانان حاشیه‌نشین شهر تبریز»، جمعیت، پیاپی ۹۱-۹۲.
- ◀ قاسمی، یارمحمد، زهرا عبدللهی و امید محمدزاده، (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر شیوع آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه محله‌های خاتمی و مهرآباد شهر ایلام)»، مطالعات پیشگیری از جرم، پیاپی ۲۹.
- ◀ کارگر، بهمن. (۱۳۸۶)، «حاشیه‌نشینی و امنیت»، جغرافیا، ش ۵، سال جدید، د ۱۴ و ۱۵.
- ◀ _____ (۱۳۹۰). «شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی»، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ◀ کاروانی، عبدالطیف، ابوالفضل پور منافی، سمیه ریسی، (۱۳۹۹). «تحلیل کیفی شرایط و عوامل علی فقر و ناامنی در مناطق مرزی مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، پیاپی ۳۰.
- ◀ کرد زنگنه، جعفر، هاشم محمدیان و شهلا سهرابی، (۱۳۹۵)، «بررسی میزان احساس امنیت زنان و عوامل موثر در آن (مطالعه موردی زنان سرپرست خانواده تحت پوشش اداره کل بهزیستی شهرستان رامهرمز)»، مطالعات راهبردی زنان، د ۱۸، ش ۷۱.
- ◀ کریمی، محمدتقی، عطیه خاکسار فرد، وحید شالچی و نهال نفیسی، (۱۴۰۰)، «تعارضات و همسویی‌ها در ساخت مجالس مذهبی زنانه شهر تهران»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۲.
- ◀ لوئیس، اسکار، (۱۳۵۳). فرهنگ فقر، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، ش ۴، د ۱.
- ◀ محمد پور، احمد و مهدی علیزاده، (۱۳۹۰). «زنان و فرهنگ فقر؛ مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری»، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۸، ش ۱.
- ◀ محمدی، جمال و مریم مرادی پادوک، (۱۳۹۲)، «بررسی احساس امنیت زنان در مناطق مختلف

- شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۳، ش ۹.
- ◀ محمدی، مهدیه و بیرنگ علی آذر، (۱۳۹۸). «تحلیل احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک‌های شهری، مطالعه موردی: تبریز»، پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، س ۱۰، ش ۲، پیاپی ۲۰.
- ◀ مور، استفن، (۱۳۷۶). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- ◀ نقدی، اسدالله؛ توانا، علی، (۱۳۹۹). «شهری در حصار حاشیه‌ها مطالعه رضایت از زندگی در بین حاشیه‌نشینان شهر کابل»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۱، ش ۱.
- ◀ نقدی، اسدالله و رسول صادقی، (۱۳۸۵). «حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)»، رفاه اجتماعی، د ۲۰، ش ۵.
- ◀ نقدی، اسدالله و صادق زارع، (۱۳۹۰). «الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، پیاپی ۱.
- ◀ _____ (۱۳۹۰). «مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی زنان حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: شهرک سعدی شیراز)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، د ۳، ش ۹.
- ◀ _____ (۱۳۸۹). «جهان چهارم ایرانی - سیمای «زیست حاشیه‌ای» و «مسائل شهری» در همدان و برخی راه‌چاره‌ها»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱، ش ۳.
- ◀ نوروژی، فیض اله و سارا فولادی سپر، (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، راهبرد، س ۱۸، ش ۵۳.

- Clinard, Marshal.B, (1966): Slum and Community Development, The free Press, New York.
- Dibaba, Yohannes & Austrian, Karen & Abuya, Benta & Kangwana, Beth & Maddox, Nicole & Kabiru, Caroline. (2022). Exposure to violence, adverse life events and the mental health of adolescent girls in Nairobi slums. BMC Women's Health. 22.
- Kate Brown, Katie Ellis, Kate Smith(2020). Vulnerability as lived experience: Marginalised women and girls in the UK.
- Lewis, D, A. Salem, G.(1986). Fear of crime, Transaction Publishers, New Brunswick, NJ.
- Sahni, S. (2022). Social Exclusion in Access to Maternal Health-Experience of Urban Poor Women in Delhi. In Mapping Identity-Induced Marginalisation in India (pp. 455-473). Springer, Singapore.
- Skogan, W. (1990). Disorder and decline: Crime and the spiral of decay in American Neighborhoods. The Free Press.